



# رهائی

سال اول شماره ۲۶ و ۲۷  
سه شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۵۹  
بها ۲۰۰ ریال

## در این شماره :

● سالی که گذشت ....

● انتخابات

مروری بر رویدادها

● سخنی با خوانندگان

توضیحی پیرامون سیاست رهائی

● خمینی

اتمام حجت جدید !!

● دانشجویان خط امام

پایان یک خط !!

● مناظره تلویزیونی فدائیان

یک گام به پیش چند گام به پس

● خلع سلاح

ضامن امنیت بورژوازی

● اطلاعیه

پیرامون جبهه دموکراتیک ملی

● کردستان گورستان اشغال گران

متن سخنان نماینده سازمان در میتینگ آوارگان

کامپاران در سندج

# سالی که گذشت

سالی که گذشت، سال پنجاه و هشت، سال پیروزی، سال شکست، سال وعده‌های شیرین، سال تجربه‌های تلخ، سال چهره‌های پر لبخند، سال مشت‌های گره کرده، سال خنجرهای در پشت، سال سینه‌های سپر، سال پرده‌های دریده شده، سال حیانت‌های آشکار، سال چهره‌های پنهان، سال تجربه، سال شناخت، سال مبارزه، سال نخست، سال آغاز بود. سالی که برخاسته از اوج جنبش‌نومنده‌ی توده‌ها، در قیام بهمن ۵۷ زنجیر از پای گشوده، با تکیه بر مبارزات حق طلبانه‌ی زحمتکشان و به اعتبار خون دهها هزار شهید معرفت تا "بهار آزادی" را بال و پر بگناید که دستان ارتجاع مطلعش را در نوروز سنج با خون در نوشت و آخرین سطر فصل خونینش را با ترور زندانیان سیاسی خلق ترکمن رقم زد.

سالی که گذشت، سال جمهوری ۹۹/۵ درصدی اسلامی، سال مجلس‌خیرگان و خیره‌زادگان اسلامی، سال قانون اساسی اسلامی، سال رئیس‌جمهور شدن اقتصاد دان اسلامی، سال مجلس‌شورای اسلامی، سال شرکت در کنفرانس آمریکا، سال ملل اسلامی، سال ورشکست شدن ثوراها، سال انقلاب اسلامی، سال حزب جمهوری اسلامی، سال بهره‌ی بانکی اسلامی، سال اصلاحات ارضی اسلامی، سال ارتش اسلامی، سال پاس‌داران انقلاب اسلامی، سال سرمایه‌داری اسلامی، سال حجاب اسلامی، سال نقاب‌های اسلامی بود.

سالی که گذشت سال آزادی بود، سال آزادی فقیه، فرماندهی کسل قوا، برای لشکرکشی به یمن و یسار، سال آزادی وقیح اعظم، صادق قطب‌زاد برای ترک‌تازی از منبر صدا و سیما، کریمه جمهوری اسلامی و از محراب وزارت‌امور "خارجیان"، سال آزادی ژنرال چمران برای تکرار فاجعه‌ی نل زعفر، سال آزادی دکتر بهشتی معروف‌الحضور جلوس در راس‌شورای

انقلاب و دیوانعالی کشور، سال آزادی خلخالی از "زنجیر"، سال آزادی شلول کنی محمد منتظری فرزند فقیه عالیقدر، سال آزادی امیر انتظام از قید عقل، سال آزادی زهرا خانم، سال آزادی لومین کبیر آیت‌الله هادی غفاری و هواداران حزب الهی، سال آزادی چماق، سال آزادی حمله به مطبوعات، سال آزادی سانسور، سال آزادی اختناق، سال آزادی میناچی، سال آزادیهای اسلامی بود.

سالی که گذشت، سال نوروزخونین در سنج، سال حمله به نقده، سال کشتار خرداد در خرمشهر، سال یورش به کردستان، سال قتل عام قارنبا، سال اعدام‌های خوزستان، سال بخون کشیدن بندر انزلی، سال ترور در ترکمن صحرا، سال سرکوب‌آریا مهری خلقهای تحت‌ستم در جمهوری اسلامی بود.

سالی که گذشت سال دعوت از سرمایه‌داران فراری، سال "ملی" کردن سرمایه‌های ورشکسته بخرج مستضعفان، سال تغییر نام سساواک، سال معاون شدن یک ساواکی در وزارت بازرگانی، سال رشوه‌خواری چمران و ایلپاوی، سال جاسوسی سخنگوی دولت و فرماندهی نیروی دریایی برای آمریکا، سال دستورالعمل‌های جاسوسی آمریکا برای ایران، سال به ولایت رسیدن فقیه فقها، سال "لیبرال" شدن بورژوازی دست دوم، سال عروسی دوم بازرگان، سال ظهور دانشجویان پیرو خط امام، سال "ضد امپریالیست" شدن خرده بورژوازی مرفه، سال جمهوریست بنی صدر "لیبرال" تک‌سوار عرصه‌ی مناظره و اقتصاد، سال نمایش سلطه‌ی سرمایه، سال بازیگران جدید بود.

سالی که گذشت، سال اخراج کودکان نشینان از منازل سرمایه‌داران، سال تاراندن دهقانان از زمین فئودالها، سال تیر اندازی به کارگران، سال

حمله به بیکاران، سال کتسک‌زدن زنان، سال ضرب و شتم دانشجویان و دانش‌آموزان، سال یورش به متحصنین، راهپیمایان، گردهماییان، حق طلبان، سال سرکوبی فاتحین انقلاب و سال قدرتمداری غاصبین انقلاب بود.

سالی که گذشت سال مبارزه نیز بود. سال مبارزه بر علیه حاکمیت سرمایه برای قطع نفوذ امپریالیسم، سال مبارزه با انحمار طلبی برای احقاق حقوق دموکراتیک، سال مبارزه زحمتکشان، سال اشغال هنلها توسط دانشجویان بی خوابگاه، سال مبارزه پر شور دانش‌آموزان برای حقوق فعالیت سیاسی و تشکیل شورا در مدارس، سال مقاومت زنان در برابر قوانین ارتجاعی، سال تصرف زمینها توسط دهقانان، سال مبارزات کارگران در عرصه‌ی کارخانه برای تشکیل شوراها، سال انقلابی برای ملی کردن صنایع وابسته، برای رهانیدن کار از قید سرمایه، سال دلاوریهای خلق کرد، سال مبارزات خلق عرب، خلق ترکمن، سال حق طلبیهای خلق ترک، خلق بلوچ، سال مبارزات ضد امپریالیستی، سال مبارزات دموکراتیک، سال مبارزات ملی، سال مبارزه برای تعیین حق سرنوشت، سال مبارزه برای برابری های اجتماعی، سال مبارزه برای برقراری حاکمیت زحمتکشان سال مبارزه در راه تدارک انقلاب سوسیالیستی، سال گسترش مبارزات نیروهای چپ..... سال تشتت نیروها چپ، سال ضعف‌های جنبش کمونیستی بود.

- سالی که گذشت، سال ۵۸، نخستین سال پس از انقلاب سیاسی بهمن بود.
- سالی که غاصبین انقلاب تا انتهایش ناله سردادند که: "انقلاب پایان یافته است".
- سالی که زحمتکشان از ابتدای فریاد برآوردند که:

**انقلابی دگر باید!**

# انتخابات

## مروری بر رویدادها

حسن علوی

با برگزاری اولین انتخابات مجلس اسلامی جمهوری اسلامی، دموکراسی در ایران جبهه‌ای جدید بخود گرفت و حوادث برای چندمین بار در عرض یکسال نشان داد که "درايت"، "مداقت" و "امانت" فقط در نزد مسلمانان و خاصه برگزیدگان، نخبگان و خبرگان ما است و بس. در جریان انتخاباتی که برآستی در دنیا کم نظیر است، تمامی دست‌اندرکاران حکومتی از صدر تا ذیل از فقها به ترتیب‌فد گرفته و نوادگان و سناجشان به ترتیب عقل، از بزرگ‌عمامه‌داران تا کوچک‌چماق‌داران نشان دادند که در جمهوری اسلامی ایران، در جمهوری فقها، در جمهوری ماشالله قصابها، در جمهوری بحث‌آزاد آقای سنی صدر، در نننها کشوری که "دموکراسی" و "آزادی" به معنای "واقعی" کلمه وجود دارد، تمامی مردم "آزادند" که نماسندگان خویش را برای جامه‌ی عمل پوشاندن به اصل اسلامی "و ناورهم فی‌الامر" به مجلس اسلامی بفرستند.

خو سبحتانه در جمهوری جوان ما - در جمهوری که سه بایمردی بهشتی‌ها و بازرگانها، و امیرانظامها ایجاد کردند است، همه‌ی موانع برای ایجاد یک فضای کاملاً "آزاد" برای انتخابات رفع گردید! از مدتها قبل طرح کاملاً دموکراتیک انتخابات دو مرحله‌ای به تصویب شورای انقلاب رسید، سپس چماقداران حرفه‌ای برای مواظبت و حراست از میتسنگهای انتخاباتی به اقصی نقاط ایران اعزام شدند، و در آخرین فرصت انتخاباتی جزوه‌ی معروف منافعن پخش کردید و دست‌آخر در شمارش سریع آراء، با کامپیور دسی از هر گونه سوءاستفاده و احتمالاً تقلب جلوگیری شد. برادران بسیار "انقلابی" بار دیگر ثابت نمودند که جمهوری اسلامی جوان ما بر پایه‌ی تکاثر سه اصل صد در صد امیرل "چماق، نزویر و نحملق" استوار است، و هر آنچه خارج از این سه رکن اساسی جمهوری اسلامی فرار گیرد، بی‌شک با "ضد انقلاب" و ارواح خبیثه "کمونسیم بین‌الملل" که شبحش آسمان ایران را تیره و تار نموده در ارتباط است. از اینرو است مسلمسان ایران ضمن عرض نهیبت به مسئولین امور در برگزاری چنین انتخاباتی آزاد، از درگاه خداوند منعال و قسادر خواهان طول عمر تمامی این بزرگان بوده و بار دیگر بر آنست که در دومین بهار آزادی و در آستانه‌ی مرحله‌ی دوم انتخابات با همه رهبران عهد و پیمان بستند و با رای دادن به کلیه‌ی نامزدهای ائتلاف بزرگ، انقلاب اسلامی ایران را جاوداسی کنند!

\*\*\*\*\*

مرحله‌ی اول انتخابات بدانسان که شرح در بالا رفت برگزار شد. هر چند بررسی کامل روند و نتایج حاصله از این انتخابات - که از نظر شدت تقلب با انتخابات گذشته قابل قیاس نیست - احتیاج به روشن شدن نتایج مرحله‌ی دوم دارد، معهذا میتوان خطوط کلی زیر را درباره‌ی چگونگی شرکت نیروهای مختلف، و سیاست آنان در پرتو نتایج بدست‌آمده ترسیم نمود.

### \* حزب جمهوری اسلامی

حزب جمهوری اسلامی که در انتخابات ریاست جمهوری مفتضاحانه عقب‌نشسته بود و عملاً بدون شرکت در انتخابات کرسی ریاست جمهوری را بدوستان "سوسیال دموکراتش" سپرده بود، حزبی که بنا بر اعتراف رهبرش بهشتی دیگر فرا کیر نبود، توانست در فاصله‌ی بین انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس، از فرصت سود جوید و خود را برای کسب اکثریت کرسیهای پارلمان آماده نماید. شرایط خاصی که در نتیجه کسالت خمینی و دور بودن وی از صحنه‌ی سیاست و انتخاب بنی صدرمنا به رئیس‌جمهورپیش‌آمده بود، مقارن با فرصتی بود که حزب میتوانست اظهار وجود مجددی نماید. زیرا از یکسو عملاً انعکاس‌نیاماری خمینی و انتخاب بنی صدر در اذهان عمومی بر شکست حزب جمهوری اسلامی در انتخابات ریاست جمهوری سایه می‌افکند و از سوی دیگر با مشخص نبودن میزان قدرت واقعی رئیس‌جمهور، بهشتی و شرکاء، از امکان مانور بیشتر برخوردار بودند. بی جهت نیست که بمحض رفع کسالت خمینی قدرت واقعی بین بنی صدر و بهشتی تقسیم میگردد. کسالت خمینی بهر دو ثابت نمود که بدون کمک و پشتیبانی از یکدیگر قادر به ادامه‌ی حیات نیستند. این نکته را نه صرفاً ایندو، بلکه بیش از هرکس دیگر خمینی درک نمود. خمینی دریافت که اگر ائتلاف‌نهایی در زمان حیات او انجام نگیرد پس از او آنچه از اسلام باقی میماند فقط نامی است و بس. بنابراین با اشغال کرسی ریاست جمهوری توسط بنی صدر و انتصاب وی به فرماندهی کل قوا، بهشتی نیز به ریاست دیوانعالی کشور منصوب شد، به پستی که طبق مفاد قانون اساسی مصوبه خود آقای بهشتی، اشغال‌کننده‌اش حق درخواست عزل رئیس‌جمهور را از "رهبر" و یا شورای نگهبان قانون اساسی، دارد. و این اشغال‌کننده بسیار مهمم در زمانی انجام یافت که بهشتی در مظان شدیدترین اتهامات فرار داشت. همچنین کسانی از جانب امام بعنوان اعضای شورای نگهبان قانون اساسی انتخاب شدند که حر آیدالله کنی - یار و همدم آقای بهشتی - از نظر سیاسی و اجتماعی و همچنین مقامشان در سلسله مراتب روحانیت - امکان عرض اندام در مقابل حزب جمهوری اسلامی و جامعه‌ی "روحانیت

سارر" را ندارند. بهر رو تمام فعل و انفعالات و هو و همچنین باقی ماندن پست وزارت کشور در ید مطلق حزب - علیرغم استعفاي رفسحانی - از حمله مسائلی بود که نه حزب جمهوری اسلامی ابرار و قدرت کافی برای "پیروزی" در انتخابات مجلس را میداد. حزب با بکنه بر قدرتهای جدید کسب شده و امکانات قبلی میبوانست در مبارزهی انتخاباتی دستببین کند و تعداد بسیار مهمی از کرسیهای مجلس را بخوبی احتیاص دهد.

اما از لحاظ حزب فراجکر جمهوری اسلامی، اسس حزب در حاصههای فعال است که بسیاری از حتمها ساز و کوسها سوا است و بودهی مردم با تنز سنی حاصص ساسیسان باظر فصاا. حزب نه بحره و در طول فاطسهی بعد از انتخابات حکرکان در باقه است که ادامه کاروا - ثی صرفا با بکیه بر سب المال و اهرمهای دولتی و عبر دولتی سارر، ممکن نیست و برای ادامهی حیات و اطهار وجود در صان مردم احصاح نه اهرمهای جدید دارد. حزب جمهوری بدون کسب حیثیت از دسترفه در انتخابات ریاست جمهوری میبوانست در مجلس موفق باشد.

اراسرو بحشیار "روحانیت سارر" نه تکاپو سافتدوسر آن مسود که نه حزب و سوسر بحد سانی احرسیا

آنان آقای سید احمد خوشیها است. و سکنباره اسان - سعی آقای خوشیها - شخصکه در رهبری دانشویان سرو خط امام سنا بود آقای پیشی و رفسحانی را افساء نماید از لسب کاندیداها ی حزب جمهوری اسلامی سسر در میآورد و خط امام با پیوستن نه حزب جمهوری اسلامی راه را برای صعود حزب نه نارلمان سهیل مسماسد. صوصح آنکه سید احمد حمنی سیر در سب یکروز قبل از آنکه مبارعهی دانشویان سرو خط امام و سورا ی انقلاب آغار بود در مقام بک مطح احصاعی و شخصکه صرفا نه معویات میگردازد وه اینگونه مسائل سنی اندشد عملا طی مباحثهای با حیرکراری بارس عدم ارباططان را با دانشویان اعلام میدارد و...

اما با تمام اس بدارکات حزب مجبور به نقلاب میگردد و اس بک شکست بزرک برای حزبی است که با همین چسودی پیش خود را بکه ناز میدان ساست مسندا سب. حسرب اصصاح بقلب را بحان و دل مسرود و برآن است که سودهی "مسلمان" فادربه سحیم آن نیست، در حالیکه بسیاری اهرمس "مسلمانان"، کسانکه با آگاهانه در نظ اهراب و راه - پیمائی های حزبی جمع میسود خود با معارها و مقاسهای بحرسان سره از ساسره را سحس میدهد. ساشاعلام

**اما با تمام این بدارکات حزب مجبور به نقلاب میگردد و این بک شکست بزرگ برای حزبی است که تا همین چندی پیش خود را بکه تا زمیندان سیاست میسندا سب، حزب افصاح بقلب را بحان و دل خریدوسر است که سوده "مسلمان" قبا در به شخصس آن نیست، در حالیکه همین "مسلمانان"، کسانکه با آگاهانه در نظ اهراب و راه پیمائی های حزبی جمع میشوند خود با معیارها و مقاسهای بحرسان سره از ساسره را سحس میدهند.**

سده در بسیاری از سهرسانها سان میدهد که بسیاری از محاسبات حزب در مورد کاندیداها سنا ساسا با درست سوده است. کاندیداها ی حزب با آنکه از تمامی امکانات سر - حوردار بوده و اهرمهای قدرت در دستشان بود و با آنکه کمر موردی است که بقلب حزب جمهوری اسلامی آنکار نشده باشد با انحال موقعیت چشمگیری نداشته اند. در اکثر سهرسانها انتخابات به مرحلهی دوم کسده شده است، و در بسیاری از اس سهرها کاندیداها ی حزب جمهوری اسلامی در رده های دوم و سوم فرار دارد. در شهرهایی سز که کاندیداها ی حزب میسود در همان مرحلهی اول انتخابات سوند، احولاف آراء آنان با دکر کاندیداها در حد ناجیری است. و از آن گذشته تعداد آراء حزب در مقابسهی ایس انتخابات با انتخابات مجلس خیرگان بدست افول مسسوده است. بطور مثال مقایسهی تعداد آراء بدست آمده توسط نمایندهی حزب جمهوری اسلامی در شهری مانند اصفهان - سگر که جو مذهبی در آن غالب است - با تعداد آراء در انتخابات مجلس خیرکان بیانگر آنست که حزب علیرغم تمام نقلابات شرعی و غیر شرعی اش نتوانسته است پایگاه منصورا نوده ای خویش را حفظ نماید. آراء بدست آمده در سهرسان ها برای حزب جمهوری اسلامی و سردمدارانش بقدری نکان دهنده بود که در شمارش آراء سهران راهی جز نقلاب آنکار

و محمله بوظنه، بکار گرفته مسود با بلکه با نفس معرره اکر سار سقوط نهائی حزب حلوکبری سود. "ناکهان" مسئلهی کروکاتها و ادامهی کار کمیسون بحقیق سالا مسکرید. سورا ی انقلاب مواص ادامهی کار کمیسون بحقیق و ملاقات آنان با کروکاتها است، "دانشویان سرو خط امام" مخالفتد، حزب جمهوری اسلامی ظاهرا با سورا ی انقلاب مخالفت میکند و بنایه ای در سنیانی آنان صادر میساید، بلوسرون خوشیها، مطبراده را به پای سبر محاکمه میساید... و ظاهرا حک معلوبه میسود. و بالاحره امام امنا مواقت با ادامهی کار کمیسون بحقیق و مخالفت با ملاقات تمامی کروکاتها توسط اعصای کمیسون بحقیق و سنی سنیانی رسمی از سنی صدر و صنی از مطبراده معرکه را فیصله میدهد.

نتبجه آنکه در طول کشمشها حزب جمهوری اسلامی ضد امبرالیست میشود و آبروئی کسب میساید، سورا ی انقلاب و شخص شخص سنی صدر و مطبراده مورد سائید امام امنا فرار مسکرید و دانشویان سرو خط امام نیز بمثابهی عده ای که در حسابان باکی نیست و در آنان غنی وجود دارد معرفی میسود. "ائتلاف بزرگ" در سنا انتخابات صورت میگیرد، سدهن از اعصای جامعهی "روحانیت سارر" ورهه ی "ائتلاف بزرگ" را امضاء میسایند که یک ستن از

از "نهضت آزادی" - همام - برخی از برگزیدگان بی صدر نیز حضور خواهند داشت . اما هر چند برای جناح چپ‌ه‌ی ملی - مدنی و نهضت آزادی پیروزیهای بدست آمده غنیمت است، برای جناح بی صدر نتایج ناسفانگیز است . بی - صدر - دون کثبوت انتخابات ریاست جمهوری - که پس از انتخابات با برنامه‌ی متعنع کنگره انقلاب اسلامی به پیش آمده بود و بر آن بود که به نیروهای پراکنده‌ی اسلامی سر و سامان بخشد بناچار تن به واقعینهای زمینی داد و فعلا ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا اکتفا نمود و نتیجا نمایندگان که قرار بود از جانب کنگره‌ی اسلامی به ملت مسلمان ایران معرفی شوند از جانب دفتر همکاریهای مردم با رئیس جمهور ، معرفی شده‌اند . دفتری موهوم و بی هویت که عملا پشتیبانی اش از این بی کاندیدا تاثیر چندانی در سرنوشت وی ندارد . کنگره‌ی اسلامی آقای بی صدر مرده بدنیآ آمد و نتوانست به ده میلیون رای بی صدر شکل سازمانی بخشد .

با اینحال بنظر میرسد که طیف "لیبرالها" در مجلس و نیروی اجتماعی که در حمایت از آنان بسیج گشته است - با وجود تمام آن افشاگری های کذائی - بعدی باتد کسه موارندی نیروهای اجتماعی را بنفع مالکیت خصوصی شروع فیصله دهد . بعبارت دیگر اولین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی به بهترین وجهی بیابکر جهره‌ی طمعانی هیات حاکم است . ترکیب نمایندگان اکثریت همانا ترکیب انتخلاف بورژوازی و خرده بورژوازی است .

**\*\*\*\*\***

در طول معرکه‌ی انتخابات مجلس ، خطوط جانس و مرز - بندیهای نیروهای سیاسی نه تنها برای حاکمین بلکه برای نیروهای اپوزیسیون نیز روشن تر گردید . معرکه‌ی انتخاباتی مجلس ، به بهترین وجهی مسیر احتمالی روند تحولات آسیی را در میان نیروهای سیاسی اپوزیسیون روس ساخت . شکل شرکت در انتخابات توسط سروهای اپوزیسیون ، برنامه‌های ارائه شده از جانب آنان و ائتلافهای فسیل از انتخابات و نتایج حاصله ، بیابکر نکات مهمی از روابط و مناسبات این جریانها با یکدیگر و ارتباط آنها با یکدیگر با رحنمکنان مینماید . هر چند برای تحلیل نهائی باید منسٹر حاشه‌ی مرحله‌ی دوم انتخابات بود ، اما مینسوان محضرا به اهم نکات آن اشاراتی نمود .

**\* فداشان خلق \***

ما در شماره‌های گذشته‌ی رهائی نکراد در مورد ریانهای ناسی از خود راست‌بینی و انحصار طلبی فداشان در درون حین کمیونسی هشدار داده‌ام و گفته‌ام که چگونه ایین خود راست‌بینیها از نهاد فکری رفقا نشات میگیرد و نشان داده‌ام که چگونه جز ، مکمل حین بینشی سازشکاری است . در گذشته در رمایکه فداشان خلق در اذهان خود و بسیاری از هواداران به اسانهای زمینی بلکه اسطوره‌هایی از "سرب و سزه" مسمودند که با باری گرفتن از حماسه‌های گذشته قادر به جذب و جلب‌نوده‌ها بودند ، اسفادات ما ، اسراداد و اسکاژنسی اسراشلی فلمداد مکرر دیدید ، و

در مقابلسان وجود نداشت . سهر حال حزب جمهوری اسلامی با غلبه‌ی توانسته است تعداد زیادی از کرسیهای پارلمانرا به حوسن اختصاص دهد و بدین ترتیب راه را برای یک دولت فرمایشی همسوار نماید . اما راه یافتن ایمان به مجلس نه تنها گرهی از مشکلات انبوه ایمان باز نخواهد کرد ، بلکه بر شدت مشکلات آنان و سردرگمی هائی که ناشی از نداشتن برنامه ، کادر و همجسین وجود ناند بازی به نهایت در حاشه خواهد افزود . صرفا مجلسی را در ذهن مجسم نمائید که افرادی چون بیور - استاد ، لجاللی ، هادی عقاری و محمد مسطری... در آن سسینند و امت مسلمان را در راه پر بسج و خم مبارزه انقلابسی رهنمون سارید...

**"لیبرالها"**

اما اگر حزب یا نقلبه مجلس راه یافت و نتوانست تمامی اهرمها را در راه صعود به پارلمان در خدمت کرد ، سروسن "لیبرالها" داسان خاص خویش را دارد . "لیبرالها" که افشاکریهای کوبنده و "توفنده" پیروان حظ : امام" آنها را به رناله داسی تاریخ افکنده بود ساردنکر در معب آقای بهستی امید سازه‌ای یافتند ؛ آن مکانسری که "پر سسز" دانشویان خط امام را به حرب فراکسیر جمهوری اسلامی مستقل نمود در حرکت خویش عملا از "لیبرالها" سار اغاده حبثیت نمود . هنگامیکه دانشجویان پیسرو خط امام عملا از سوی رئیس جمهور و نظزاده به دروغگوگی مسمم مسوند و امام امت در این مورد سکوت مینماید ، این لیبرالها هستند که سود میبرند و از مطان اسهام خارج مسوند ، و نتحننا سار دیگر چون بار غار حزب وارد کدود مسوند . حسی از آن فراسر برای اینکه دم حروس تقلب در انتخابات سهران از لای عمای آقایان آشکار مسود ، آقای معس فر سعداد آرایسار رف سرجانی سسئر مسود ... و "نهضت آزادی" که اینبار با نام "هفام" وارد کدود مسود سعداد سسبا مهمی از آراء سهران را نخود اختصاص میدهد . سهر حال سبر حوادث نشان داد که نه سسوررواری آقای ساررکان و نه خرده بورژوازی آقای بهستی هیچکدام در اس لحظه به سبانی قادر به حفظ قدرت سسسد و انتخلاف آنان در مجلس نیز ادامه خواهد یافت ...

سرواصح است که "لیبرالهای" وطنی همانند گذشته به در یک صد و نه در یک حبهه ظاهر شدند . مدنی زسیرال سلطنت طلب که در انتخابات ریاست جمهوری سسسار دو میلیون رای را به خود اختصاص داده بود در طول مسازرات اسحساباسی سسسدس سورابیطی ، عملا قادر ند به سبها حبهه‌ی ملی را به سسر برجم خویش سسبسد ، و با ملانانهای محرمانه‌ی سار امام و جلب سسبسانی وسع سارار راه ورود به پارلمان را هموار سازه بلکه خویش را چون ساررترین حبهسره‌ی "لیبرالسم" سورژوازی سسبب نماید . اما چنانکه نتایج انتخابات به امروز نشان داده است ، مدنی تنهسا مدافع سوررواری در مجلس نخواهد بود . در کنار کاندیدانهای حبهه‌ی ملی (سجاسی ، ابولفضل قاسمی و...) و حبهه‌های

ما جز، کفار محسوب می‌شیم. ۴۱ در طول استیلاهای اخیر  
احترامات رفقای فدائی بخدای سمان و آسکار می‌شود که  
از طرف بسیاری از همان مسخوردگان فدرب'جاذبه به ریسر  
سئوال کرده شد، با آنجا که رفقا محور سدید جسد  
صفه‌ای از سرمدی "کار" - شماره ۵ - را به دفاع از  
"رهائیان" در مورد عدم پشتیبانی از نیروهای مسلح  
جیب و پشتیبانی از کاندیداهائی چون کلزاده‌ی غسوری و  
شاهجی احتیاط دهند و مینهای رادیکالیسم ظاهری، احتیاجات  
حرب‌نوده را بکار کنند.

استدلال رفقا در مورد عدم پشتیبانی از "راه کارگر" و  
جریانات موسوم به خط سوم در نوع خود بی نظیر است.  
فدائیان "راه کارگر" را لبرال می‌نامند چون شعار "مرک  
بر ارتجاع" میدهد. رفقای فدائی برای اینکه نشان دهند  
بی‌المصلحتی "ارتجاع" مورد نظر "راه کارگر"، "ارتجاع  
طنفائی" نیست، بی‌خود زحمت می‌دهند که از تریبات "راه  
کارگر" استفاده نمایند و بجای آن ارتجاع را "همان عهد -  
ماندگی مرهنگی حربه بورژوازی" معرفی نموده و جیبون  
برداخت "راه کارگر" از ارتجاع را نادرست دانسته و  
معنید خط راه کارگر "خط دالکتیک مبارزه‌ی طبقات  
ست". خط کج بیبی هسی موجود از خورده بورژوازی  
است. (کار ۵ - ناکند از ماست ولی بعضی مفهوم سفتگی  
خود فدائیان است) پس مورد ستایش و احترام جنبه‌ی  
دموکراتیک ملی و سازمان محاهدین خلق است و نتایج  
از لحاظ مضمون با سیاست احزاب بورژوازی لبرال  
همو است.

فقد ما در اسحا به توضیح ارتجاع از زبان "راه  
کارگر" - کاریکه رفقای فدائی با صداقت تمام احکام  
داده اند! - و به حیث نشان دادن این نکته است که از  
مغولیه ارتجاع در فرهنگ مارکستی مغولیه روسائی چون  
غیب ماندگی مرهنگی حربه بورژوازی استیلاط می‌شود. ما  
آن توضیح را به "راه کارگر" و توضیح مغولیه‌ای جیبون  
ارتجاع را به کتب آموزشی مارکسیسم واکدار منماتیم.  
رفقای فدائی خود باید بحوسی بدانند که "راه کارگر"  
در اسمورد چه گفته است و معنی طیفائی ارتجاع چیست!  
و اسحس برای توحه گروه کراشی خوشی و دساله رویشان  
از "خط امام" از زبان نیروی دیگری ستوری واهی ستورای  
حمله‌ی دون کسوت وار تان، اختراع نکنند. این توضیح  
استدلال ساند از نظر فدائیان کشف جدیدی ساند ولی در  
حقیقت همان متد شناحه بده‌ی قدیمی است. این همان تعل  
واروبه‌ی آسای حضرات نوده‌ای است که ایستار بیدرس  
ککل ظهور می‌مانند! خود حزب تر افشار" بوده بارها  
از جانب سمان بغل قولهای آورده است و آنرا به مصاف  
ظلمیده است که روح بوستندگان شما از آن خبر نداشتند  
است و ایستار شما اس عمل را با دستکرا انحام می‌دهند و  
علاوه بر آن برای رهائیان از سکتا و برای خلاصی از دست  
"هواداران" سمح که دیگر همه‌ی حرفهای شما را قبول  
ندارند احکارا باید همه را به سوزوا لبرال بسودن  
مهم کند:

" سیاست هر دو آنها ( منظور رفقا گروه اسرف  
دهشائی سیر می‌باشد) عمقا مورد ستایش و احترام  
جنبه‌ی دموکراتیک ملی و سازمان محاهدین خلق است  
و از لحاظ مضمون با سیاست احزاب بورژوازی لبرال  
هم سو است." (کار شماره ۵)

اما سفسطه‌ی فدائیان در مورد "راه کارگر" تنها استدلال  
نوده‌اسمی رفقا نیست، در مورد جریانات موسوم به خط  
سوم رفقا دسته استدلالاتی زده‌اند که حرب‌نوده سانس  
شکل حیجرات ابرار آنرا ندارد. رفقا در این مورد در  
مقام نصحت می‌نویسند:

" سنرو و فکر بکار محصور است بالاخره تکلیف  
خود را روشن کند با موجودیت اردوگاه سوسالسی  
و استریاسونالیسم بیرونی‌شاریا بشیرد و با به  
سک جریان سه جهائی تبدیل شود و با مارکسیسم و  
حسین طبقه کارگر بیطور کامل وداع گوید." (کار ۵)  
و چون البته "بیکار در اقتصادان از حربائی بیستام  
" احکر" حمایت می‌کند" (هماجا) و "همان استدلال سوزی  
وریکسته و ارتجاعی حربه بورژوازی عمق مانده و در حال  
تلانی را که با شعار سه سرقی به غرضی نه مدان آمده،  
( عبا رفقای فدائی که معنای ارتجاع را می‌دانستند! و بار  
هم صد عبا که ایبرا کسائی می‌نویسند که عنداللروم ببار -  
مون می‌لغین همین ایدئولوژی حربه بورژوازی می‌سوسند  
" روحانیت مبارز و ضد امپریالیست " - کار ۳۵ ) به عاریت  
گرفته و می‌کوسند ریک و لعاب علمی و اکادمیکان بدهد"  
(هماجا) ، پس جریانات خط سوم و بیکار سیز مورد لطف  
رفقا فرار نمی‌کنند. بیعیارت دیگر از نظر فدائیان خلق  
صف سدی نیروهای کمونیستی در رابطه‌ی آنان با مبارزات  
طنفدی کارگر و نیروهای حاکم دست برآ اینان مدعی‌سند  
که:

" برنامه‌ی حداقل سیاست و خط منی بیکار در برابر  
حاکمیت و مبارزه‌ی طبقات و تحلیل اس جریان ار  
موتعبیت فعلی سببنا منطقی و از سایر جریانات  
مدعی مارکسیسم، نه برنامه و سیاست سارمان ما  
تردیک تر است." (کار ۵)

بلکه در رابطه آنان با کشورهای "سوسالسنی" و شوروی  
می‌ماند. فدائیان این دایه‌های مهربانتر از مادر طیفدی  
کارگر سوزی ( هر چند که خود سوسولف معتقد است دستکسر  
در سوزی طیفه‌ای وجود ندارد چه برسد به طیفه‌ی کارگر!! )  
بکوبه‌ای از سوزی دفاع می‌نمایند که کوئی صحت بر سر  
سرتکدر پارلمان سوزی و با حیث افغانسان است. اسن  
نوع احتیاج اگر بوده‌ایم نسبت بس چیست؟ "با ما من با  
غلبه من"، "با با سوزی یا با امریکا" و "با این و یا  
آن"، "با ساه و با سعید"... و اسن نوع بکرنی به سوسالسم  
تکرنی نویی نیست. اسن همان سدی است که از سوسالسم  
مذهب، از "رهبران" پیامرو از مسکوو بکن کعبه می‌سازد،  
مذهب و کعبه‌ای مانند همه‌ی مذاهب و کعبه‌ها، ایدئولوژی  
در راه سخیز سزرو سه آزادی آن و مذاهب و کعبه‌ها  
ارزائی شام بوده‌ایها - چه قدیمی و چه جدید آن - باد.

اما بیس بوده استنی فدائیان فقط به ابرمسه محدود شده و کم‌دم  
عرصه‌های عملی را بر دربر گرفته است. به فعل قول ربروجه‌کنند:

"تعلوه بنظر میرسد که در این سازمان (مطبور  
سنگار است)، لافل در سطح کسانیکه با واقعیت‌های  
مبارزه طبقات سیاسی ملموس‌تری دارند کامه‌های  
منسی درجهت مقاله با اکوموسم و نظور کلی  
صحیح خط‌مسی به بس برداشته شده باشد."

(کبار شماره ۱۵)

در ترهک بوده‌اسمی اس را مکتوبید سازگرمی، بوده‌انیه  
سر در این رصیه بحر جامی دارید، آنها نیز بارها و  
بارها در مورد "کسانیکه با واقعیت‌های مبارزه طبقات  
سیاسی ملموس‌تری دارند" سخن گفته‌اند. آنها سازمان‌درفق‌ای  
فدائنی منظر "کرایین‌هایی که بوئی از تصحیح دیدگاه رامی  
دهد" - کار ۵۰ - بوده اند ماورمان ندارند نه این بوئنه  
حرب‌بوده توجه کنید:

"حسانیکه باد کردیم، حرکتهای فدائنی خلق ایران ما -  
سغانه مواضع سکیری اعلام کرده‌اند. سیاست و مسی  
آنها بر از بوسان و روزانه خوری است. با احتمال  
در میان حرکتهای فدائنی خلق بسیارند کسانیکه درست  
میان‌دیند و در فکر حاره‌اند. نوسه‌هایی از نوع  
"تارهم در باره وظائف‌اسی ما" "حد مقاله درباره  
مسائل کنوسی جنس" از "علی کشتگر" نمونه هائسی  
است از کوشش برای طرح درست مسائل" (نکبه از ما است)

مردم - دوره هفتم، سال اول، شماره ۲۸ دوسسه  
۲۸ خرداد ۵۸ - ص ۴

بسیع‌سکند اگر ما هم به سودی خود رفا استدلال  
سایم و بکوشیم:

"ساست‌فدائیان خلق عمفا مورد سنایس و احرام  
حرب‌بوده‌ی ایران است، و از لحاظ مضمون سا  
ساست‌احزاب روبرویست هم سو است."

ماور ندارند نه نسبت مورد حماست حرب‌بوده در انتخابات  
مجلس‌سورامطی نگاه کنید:

سید هسبالله طبیب‌غفاری

علی محمد صرحیده جهرمی (کشتگر)

حب‌الاسلام دکترعلی کلزاده غفوری

حاج محمد مدرسه‌س‌انه حی

آری فدائیان با اس استدلال از حماست کاندیداهای مترسی  
کوشست‌سار بار میرسد و در عوض از حاج محمد مدرسه  
ساده‌ی "تحسب‌سای و مورد حماست‌سکند و سینه ورا  
و سازاریان مترسی و سارر بهران" و آسبالله علی  
کلزاده‌ی غفوری "روحانی برفجواه و سارر" - اعلام‌سای  
مورحدی ۲۵ - اسعد - حماست‌می‌ساید. زیرا که اسغان  
"نه کل کتری حبه‌ی خلق باری می‌ساید" "نه بھویست  
رادیکال‌سیم در جنس‌کمک" می‌سکند. اسرا مکتوبید

حماست از صف‌مسئل طسقی کارگر در مبارزه علیه اسرا -  
لینم و اسراخ.

\*\*\*\*\*

پرواضح است که اسناد از فدائیان در مورد اس -  
سغان از دیگر کاندیدهای چنه سمظور دفاع از سز  
نسبت متبرک و نه حتی در نائند نظره شرکت در انتخابات  
است، در این موارد نه تفصیل در رهائی ۲۵ سخن رفته است.  
قدم ما از این اسفادات نشان دادن علل و سناخ اسصار  
طلبی فدائیان خلق در صفوف‌جنش کمونیستی و شکافن این  
مسئله و مسائل دیگر در رابطه و با توجه به ادعاها و کفیه  
های بروه‌های مختلف در کبر در جنش‌سای ایران است.

اما هرچند فدائیان نمونه‌ی خوبی از دراست سیاسی  
نشان ندادند و از بوسه شک سکناریم خویش خارج‌شدند،  
برخی از بروه‌های دیگر - هرحد در مواردی‌سارغیراصولی  
و سناست‌مانانه - بوانسند نه جنبه‌هایی از همکاری - ویا  
بهر بکوشیم سغانه های اولسه - دست‌سناست. سنیاسی  
حربانات‌خط‌سوم از "کوموله" و "راه کارگر" و بالکس  
سنیاسی "اتحاد جب"، "حزب کارگران سوبالست" و "جنش  
کارگری" از دیگر حربانات‌جب، عملا بوانسند در نقوبست  
بلوک‌جب در انتخابات مؤثر اسعد. هرحد اس همکاری‌ها  
فاند بک‌برنامه سناسی مسخن و یا حی برنامه عملی مسخن  
بود و در مواردی که خود ساهد بوده‌ایم بک همکاری صرفا  
ناکتیکی سه حساب‌می‌ماید، اما بخودی خود امری منبت  
بود. در حسین وانفصائی که هر جریایی جودرا "رهبر"  
و "راهبر" طغه کارگر می‌سپدارد، اسگونه همکاری - در  
صورت‌نداوم - سنواند نه بسیاری از کج اندیسی‌های ساز -  
سایها در باره بک‌دیگر خامسه دهد و راهکسای همکاری  
هرچه کس‌سده بر حربانات‌جب در آسیده نائند.

\*\*\*\*\*

تحرره انتخابات در میان ملیتها نیز قابل توجه  
است. در ترکمن صحرا عملا از شرکت خلق برکس درانتخاب  
نات‌خلوکیری ند، خلق عرب‌نیر با توجه به جو خاک -  
سوانست کاندید خویش را معرفی سماند. در کردستان نیز  
درها برروی کوموله سه شد. در سمدج و مریوان که امکان  
انتخاب‌می‌سایدکان کوموله نطعی بنظر میرسد، عملا از بر -  
کزاری اسجابات‌خلوکیری شد. در مهاباد، بوکان و بیوا -  
سهر - کاندیداهای حرب‌دموکرات بوانسند با فاطمه  
رباد از کوموله و فدائیان - سینی بکیرند. سطر میرسد  
که علت عدم موفقیت کوموله در بوکان و سردسیر - در  
سهرهائیکه هم کوموله از نفود سسا نوده‌ای برجودار بوده  
است و هم کاندیداهای معرفی شده از محوسب‌مطلی سسا  
خوسی برخوردار سسند - سائی از ساره‌ای از اسباهشاب  
سناسی کوموله ساید. هرحد عدم سنیاسی فدائیان از  
کوموله، و این در صورتی بود کسسه از بس‌روئس بود  
که فدائیان مثلا در بوکان امکان بیروزی ندارند. سیر در  
کسسه سنی رای بلوک‌جب در مقابل حزب‌دموکرات مو سسر  
بوده است. ما سیر ساید خود رفقای کوموله با سحبت

# سخنی با خوانندگان

## توضیحی پیرامون سیاست رهائی

در جواب به سئوالی که در مورد سیاست نشر رهائی ارماده است هر جا میسر بوده مطالبی را عنوان کرده ایم معهدا تکرار پاره ای از سئوالات ما را سر آن داشت که به اهم آنها در همین نشریه بپردازیم تا برای عده بیشتری قابل استفاده باشد.

اولس شماره رهائی نیورک در خصوص حسن انفعالی ایران میسر شد و استسار آن با شماره ۴ (مورد - ۱۳۵۸) ادامه یافت. هنگامیکه استسار شماره ۵ تدارک دیده شد، حد مسائل سیاسی و توجه باین واقعیت که در غالب سرحدات سیاسی حد سردرگمی عیبی در مورد ساخت ما هبت رژیم مناده مسدود است که مقدم بر رهائی نیورک است که در فواصل طولانی میسر می شد از سرمناد به استسار هفت ماهه رهائی میسر داریم. ار همان آغاز بخشی از صفحات رهائی به تحلیل رویدادهای جاری و بخشی به مسائل دراز مدت نشر و نیورک اختصاص یافت. این خصوصیت تا کنون حفظ شده است با این ملاحظه که حد و عقب رویدادها گاه ما را محور کرده است که صفحات بیشتر با کمتری را به بررسی مسائل جاری اختصاص دهیم. سیاست رهائی علی الاصول بر این بوده است که خلاه موجود در تحلیلهای رایج در جب را برکنند. بنظر ما یکی از اساسی ترین کمبودهای حجت در زمینه تحلیل طبقاتی از رویدادهای اجتماعی است که است. این کمبود موجب نوسانهای شدید در مضمون بسیاری از سازمانها و بطور کلی حجت شده است و هموزم تا کمال تا سعاداده دارد. بداشتن تحلیل و دید طبقاتی درست در گذشته موجب شده که حجتی از جب بدینال سازمان حرکتی فدائی - خلق در ورطه حمایت از " دولت ملی بازرگان " افسدوسیس با " کتف " روابط جناح بازرگان با آمریکا - که کوشی امری از نظر طبقاتی با معلوم بود - به راه حمایت عملی از ارتجاعون در

مقابل با اصطلاح لبرالها افتد. در حین شرایطی است که هر فردی با ما نمیست خود را موظف می بیند که در حد توان خود در روشنگری بکوشد و نگذارد که بخش مهمی از نیروهای جب به بیراهه کشانده شوند و این البته ضمن وفوف باین امر است که هیچکس و هیچ سازمانی طالب کمراه شدن خود نیست، و بنا بر این غلبه رژیم سازمان برستی رایج در میان عده کثیری از اعضاء و هواداران سازمانهای مختلف، اذهان جوان و معقد در تشخیص درست از نادریست با رجوعا هندها نیست. ما در طول ماههای اخیر حدی تا هدا تیر گذاری تحلیلهای درست و با لارفتن قدرت شخصی بخش روزافزونی ارجب بودیم که در حد متنی خود کوچکترین تردیدی نداریم محنه عمل، چیزی را که زمانه جز به پیشینی های ما بود، اثبات کرده است و این دسار و کوچکی نیست.

بجاست که بلافاصله به مسئله دیگری که مورد سئوال بوده است بپردازیم و آن این است که بنظر عده ای از خوانندگان نشر رهائی بصورتی نیست که قابل استفاده برای توده مردم باشد. ما با این امر اذعان می کردیم و در حد ممکن کوشیده ایم که این مسئله را رعایت کنیم. منتها دوتنگه را باید در نظر داشته باشیم و آن اینکه مخاطبین رهائی در درجه اول نیروها و عناصر سیاسی و جب هستند. چه خوب بود که میتوانستیم نشریات توده ای بسازیم داشته باشیم ولی توان انجام هر دو را نداریم و در حال حاضر که این خطر وجود دارد که بخش مهمی از نیروهای جب به کراه کشنده شود در احزاب توده مونسر امندا و طبقه خود میدانیم که در حد توان خود از این امر جلوگیری کنیم. این امر و اینکه ناره ای از مسائل نیورک در صفحات معدود قابل بررسی نیست بلکه با سدر احزاء خود بسط داده شوند و بعدا صفحات رهائی محالی برای این امر اعسی نمیکارد، موجب میشود که نشر پاره ای از مقالات محدود نخواهد شده باشد.

بنا بر این با اینکه بیسار گذشته کوشش در ساد نویسی خواهیم کرد معهدا تصور نمیکنیم که بیواسیم تعبیر کیفی در آن بدهیم.

کمبود مقالات و تحلیلهای مربوط به حجت کارگری یکی از نقصانهای ظاهری رهائی است. اما از آنجا که ما معتقدیم مطالب منفیما " و بطور اخص مربوط به حجت کارگری باید از طریق خود جیش کارگری تنظیم شود ما ادای سهم خود را در این رابطه انجام داده ایم و سایر این فقدان آنها در هفت ماه رهائی ما ساد بسوزله کموجهی ما بآن تلفی بود.

منعکس کردن بررکدانت روزهای مهم تاریخ تابع سیاست خاصی بوده است ما تمعدا " در بررکدانت سالگرد تحصیلهای حجتی کمونیستی و کارگری مطالبی عنوان نکرده ایم چه معتقدیم که تا آنجا که میتوان با پیداز تا کیدر شخصیتها - هر قدر هم ار رنده و بررک - خودداری کرد. این امر بسوزله در حوامعی ما شدخا معه ما که کیش شخصیت زمینه رسد و اوا بی در آن دارد با سازمان کونیستها مؤرتوجه فرار کرد. مارکس یا لین و یا سایر کمونیستها هر قدر هم برای ما عزیز باشند نباید بصورت انشاء و اولیا در آند که هر ساله در روز رحلت با ولادتشان ما را به عزای سادمانی بنشانند و موجب عززه - خوانی شوند. برای مذهبیونی که همه چیز را اربالا، ارموق به دلیل می بینند البته این سخن کفران نعمت است اما برای کمونیستها بجای تحلیل از شخصیت فراگیری از آموزش و به آهم در وروماهی خاص بلکه همواره و همه جا مطرح است. ما " ناسوعا و عا شورای کمونیستی " نداریم که در وروری حاضر عالم جلسه فروروم و ساد شخصی بررکدانت نظر اشک بر رسم. چنین سنی در حجتی کمونیستی ما را می که بخش مهمی از آن سور و کرا سیره - وجود داشته است و نباید بر آررف. سور و کرا سیره برای سح " خلق " به حجتی سوده های غیر کمونیستی موبل مسدود



ولی این کار کمونیستها نیست. نگاه می  
به مفهبره لبیبی که جسم مومانی شده اورا  
مانند فرامغه مصر باستان در مغز فرسش  
ترار سده دکامی است که هر کمونیستی  
راحتما ک کند. این امر که جقدر مستوان  
سقوط کرد. جواب آن باوروگراتها و  
کسانی است که نفهمیده و نتجنیده سنت  
آخوندهای حاضر و "کشینهای سابق" را  
ستوان ستانه عزیز روح میدهند. ما  
حنس نخواهیم کرد. بگذار عده ای بی-  
فرهنگ و مذهبی نما خرده بگیرند. این  
تزدیری نخواهد پایید.

مسئله دیگر در همین رابطه بزرگداشت  
و قابع مهم است. ما غالیا "اراسن  
موارد مطالی مختصر نوشته ایم و همین  
نوره را ادامه خواهیم داد. سنظرا ما در این  
موارد بسیار کم مطلب باره ای ، تحقیق ،  
بررسی یا تحلیل حدیدی وجود داشته باشد  
با بداران شده شود و کربنه صرف بکار رها رباره  
کفه ها و نوشته ها - که همه ما بدهم و سال  
ماندسال است - هیچ کزهی را ارکار  
حنس کمونیستی نخواهد کسود. نگاهی به  
سرایی که باین روزها عنانت خاص  
دارند ستان میدهد که سوسه های بیان بجز  
تکراری محموا و فرسه ساریهای بی معنا  
ولغات بی های نامرتکونه جبری نیست این  
کار بحرا سلط و نبوستنه و خواننده  
بجز حرده کاری و ساده حالی کردن برررسی  
دهی جبری نیست. اگر منظور اساد آوری  
و افعدی خاصی است دو کلام کفات میکند و  
اگر منظور امور اساد نبوستنه آوریست  
باشد. محوادانته ها بند و تکرار مکررات  
ساستد.

عده ای اظهار کرده اند که در سراطی که  
حنس جب مورد بررسی قرار منند بر خورد  
بندروهای مختلف جب و ستان دادن نقاط  
صف آتانبه بفع حنس کمونیستی نیست  
زیرا این نقاط مستوانند مورد بهره بر-  
داری دمن قرار کسود.

در جواب باین رفا با بد اظهار داشت که  
مطلفا "حنس نیست. لکی ارغلل اساسی  
فرید بدیری جیبی جب وجود نقاط ضعف  
آنت و بدافسا: این نقاط ضعف. اگر به  
فلان سازمان جب استفا دمینود که در سد  
طبغایی مخیحی ارائه میدهد. نیروهای  
ارجاعی محموا ستد باین سازمان حمله  
کسد که جراد بدطبغایی ندارد!

استفادات ما از یک راویه و حمله از نجاع  
از زاویه ای دیگر است. اما حنی اگر  
وارد آوردن استفادات اصولی موجب  
بهره برداری دمن ستانند بربا پدار آن  
احصاب کرد زیرا اینها راه نصحیح  
استیاهاب ، استفادو بر خورد به آست  
ایا بهتر است از بس بهره برداری موفنی  
دمنی در استاه بما سیم و جنس را سبه  
ببراهه بکسیم و یا آکه سو استفا ده موف  
دمن را تحمل کسیم و در عوض راه حود  
را تصحیح نمائیم. برای اجسبات از  
اطاله کلام این رفا را به ادبیات  
کلاسیک مارکسیستی اخاله مندھیم سا  
بداست که حنی در جاد بربس نراط نیر  
یک لحظه منارزه درون حنس کمونیستی  
را بیا بندنظیل کرد. این امر بخصوص  
در سراط کنونی حنس که ایرادات هغه  
سازماها و منحلله ما میتوانند زبانه های  
عبر قابل جرانی ببار آورد با بد بیبار  
حدیث نما م دنبال کسود.

بر خورد ایدئولوژیکی بخشی از مبارزه  
طبغایی است و هیچ بیرونی پالوده از  
سرا هه های غیر بیرونی نیست. اگر جز  
این بود در زمانی بود که راه رستکاری  
را حخته بودیم. توجه ببار بآب بقدها نی  
که با کون سازمان ما بر طریات سازما-  
نهای دیگر ارائه کرده اسب ستان میدهد  
که اگر کار ایدئوکی ستانده. علاوه بر افراد  
باره ای از نیروهای مختلف سیاسی منوجه  
ایرادات اساسی در مواقع ایدئولوژیک  
سیاسی و نتایج منطقی سراهای نقد شده ،  
کردیده اند. منوجه دادن باین مسائل  
ببرط آتنگه سوام سا احساس مسئولیت باشد  
و طبعه میرم همه کمونیستها ست. ما  
کوشنده ایم که در بقدها احساس مسئولیت  
کنیم و همین جهت نیز بر خورد فاطع و نگاه  
ندست کسیم. این امر به جوجه ما ببنی  
با داسن روابط رفیقایانه ندارد بلکه  
عس رفقا ست. ما با برخی از سازما-  
نهائی که مورد بقدها موده اند با واقع  
خواهسند و روابط رفیقایانه داریم. ایس  
امرد چنین کمونیستی قابل فهم و قابل  
استفقال است. در حقیقت اگر نیرونی  
از بقدها از بند آن برنجدیا بد مجددا مورد  
استفاد قرار کسود اینکده موجب شود  
بر خوردی لیبرالی بجای بر خورد سخت  
کمونیستی برسید. عملا "خوینچانستد  
ما با چنین تفاهمی رویو موده ایم و ناید

بجز مواردی معدود حنی از نظر لحن کلام  
ببازو محب رحس بنده ایم.  
مطالب دیگری نیز از جانب ستاره ای از  
خوانندگان عنوان شده است که برای جلو-  
گیری از اطاله کلام از بحث در مورد آنها  
میکدریم ، معهدا اطمینان میدهم که  
به آنها توجه خواهیم کرد. ارایسن  
جمله اند کمبودی ستراز رهایی عدم  
دقت کافی در تصحیح اغلاط، نوع کاغذ  
و تنظیم صفحات و بطا تر آن. برخی از این  
ایرادات مربوط به کمبود امکانا ستامت  
که امدها بریم یا کمک دوستداران بخصوص  
در زمینه مالی رفع نمود و بحس مربوط  
است که کار سنگین استنا رهنه ما مبرای  
سازمان کوچکی ما تنندا. امیدواریم  
این بحث نیز بهود با بد.

**تروتسکسیم**  
**سقط**  
**دیالکتیک لیننی**  
مقاله ای از  
سازمان وحدت کمونیستی  
منتشر میشود

توضیح  
مقاله ای بعنوان "تروتسکسیم و دیالکتیک لیننی" در شماره اخیر نشر سازمان تروتسکیست و دیالکتیک لیننی منتشر شده است. این مقاله به بررسی و نقد سبک تفکر تروتسکیست و دیالکتیک لیننی پرداخته و نشان میدهد که این سبک تفکر چگونه میتواند به اهداف خود نرسد و چرا برای انقلاب سوسیالیست کافی نیست.

# خمینی

## اتمام حجت جدید!!

هادی رسدیان

آن باز همه آرزومندان مسلمان و توهم زدگان جاودایی را "روش" نکرد. "اسخابات" اسلامی و "سکوت" (۱) زیرکانه‌ی امام در مورد دو مرحله‌ی بودن یا نبودن آن نیز با آنکه پاره‌ی از امیدواران را ناامید کرد بسیار گویا کفایت نکرده بود. سیر حوادث و وقایع روشنتر نبود و برای کسانی که بجای دادن واقعات به تفسیر آن از دهان بزرگان عادت دارند چیزی مانند نطق امام ضروری بود تا پرده‌ی اوهاستمان را ببرد. و امام امست چنین کرد. و او این قدم را درست زمانی برداشت که بقول خود او آخری قدم ملت یعنی شرکت در انتخابات برداشته شده بود. پیام سی‌سزده ماده‌ای امام بمناسبت آغاز سال نو صحنه‌ی آخر یک سناریوی پر ماجرا، افتادن برده بود.

این پیام هیچ چیز جدیدی نداشت اما بسیار گویا بود. این پیام جمعیتی دوران یکساله‌ی بی‌از انقلاب و مسور ائتلافی جناحهای قدرت برای دوران آینده بود. این پیام کوتاه‌ترین خط و اصل بیان اوضاع درهم کنوسی و نظم مطلوب نمایندگان سرمایه‌داری را ترسیم میکرد و برای آخرین بار به کسانی که تصور میکردند جمهوری اسلامی چیزی غیر از یک نوع از انواع سرمایه‌داری است هشدار داد که چشمهای خود را باز کنید و بیش از از آنچه ما طالبیم به شما بدهیم از ما نخواهید. جمهوری اسلامی ما سفره‌ایست که بر گوشه‌های آن حصرات نامداری مانند نهی و بازرگان و بی‌صدراستند و قوای فمائیبه و معسنة و اجرائنده را مانند لقمه‌های چرب در دهان گرفته‌اند. "عدل اسلامی" رعایت شده است و بهر یک چیزی رسیده است. شما عوام الناس چه مگوئید؟ ضروری بود که در این پیام بطور قاطع دست‌زد به سینه‌ی نمایندگان آن بخش‌ار توده که هنوز بدن‌سبال و

جربانات دیگری باید اتفاق مسافاد که پرده‌ی ابهام را در نظر این عده نیز ببرد.

در گذشته ذکر کرده بودیم که ماجرای "بیروان خط امام" شکرده‌ی بود از شکرده‌های متعدد هیئت حاکمه. واقعه‌ای در بازی قدرت‌ها وحادثه‌ای از میان حوادث سی‌نمار سال اخیر. اما اگر در این میان عده‌ای از بازیگران - و شاید بهتر است گفته شود عده‌ای از کسانی که بازی گرفته شده بودند - مسئله را جدی تصور کردند و نقش خود را واقع‌گرایانه پنداشتند، گناه گردانندگان امور چه بود؟ یک لحظه تامل و اندیشه در ماهیت طبقه‌ی حاکمه و در مناسبات درونی و بیرونی آنها نشان میداد که این انقلاب دوم (۱) تا آنجا که مربوط به طبقه‌ی حاکمه میشد چیزی در عدم اطالت از انقلاب اول کم نداشت. در انقلاب اول نیز اطالت حرکت‌نوده‌های زمینکش فریادسسی زد و بندها و سازشکاریها و توطئه‌های قدرتمداران و طالبان قدرت ند. در "انقلاب" فرمائی دوم، زدو بندها احساسات فد امپریالیستی اصیل مردم را بی‌بازی گرفت و برای مدتی خاک در چشمها پاشید. کسانی که فریب این بازی را خوردند - شایسته‌ی آنند که شاهد آن باشند که هم اکنون گردانندگان این سناریو علیرغم تضادهای درونیشان در تقسیم قدرت هر یک منضمی را اشغال کرده‌اند و به ریششان می‌خندند. جناب نهی، حضرت بازرگان، آقای یزدی، حجت - السلام خوئینی... و البته در ماوراء همه امام امت.

در این میان سهم "دانشجویان پیرو خط امام" هم آن شد که همه میدانیم. "فعلا از گروهانها مواظبت کنید تا ما تکلیف آنها را روشن کنیم".

این واقعه نیز علیرغم روشن بودن

سرعت و سبب تحولات ایران در غالب موارد بحدی اساکه مسان حال و آینده فاصله‌ی باقی نمیگذارد. آن چه یک لحظه پیش به آینده معلق داشت حال مشهود و لحظه‌ای بعد به گذشته معلق میگردد. چند هفته‌ی اخیر نمونه‌ای گویا از این وضع را دست میدهد.

انتخاباتی صدر به راست جمهوری، انتخاب ممکن ترس نماینده‌ی سرمایه‌داری - نماینده‌ی دست‌سوم - در شرایط موجود بود. ما در ایتموز در گذشته‌ای نه خندان دور مطالبی نوشتیم و متذکر شدیم که سلسله مراتب امستی، بحسار بهمراه بازرگان به توقف منطقی خود بر دروازه‌ی "راه بنی صدر" رسیده و فردی از رده‌های پائین همس مراتب با بشنوائسسی حمایت خرده‌بورژوازی فریب نخورده و فریب‌خورده از اندرون کشور، و کار - دانی و کارگشائی سوسبال دموکراسی غربی از خارج کشور بر همان مستندی فرار گرفت که از چند سال پیش برای "مسو لوسرزندان بنی صدر" معین نده بود.

اما از آنجا که طبعاً حمایت سوسبال دموکراسی غربی نه صرفاً از شخص بخصی بنی صدر بلکه از برنامه‌های بودکده او بالصوروه در دست داشت، ما براین مسلم بود که از همه‌ی امکانات مرئی و نامرئی برای بیسورد "خسب بنی صدر" - که جبری جز همان خسب سرمایه‌داری قسما عربان و قسما با حجاب نیست - استفاده خواهد شد. واگذاری فرماندهی کل قوا از طرف امام به وی اگر نه مهمترین لافسل بر حصه‌ترین سنانه از این واقعت بود که بهر حال خوب باشد "خط امام" تا "خط بنی صدر" مماست است. اما این مطلب که برای روشن شدن احتیاج به واگذاری فرماندهی کل قوا هم نداشت، برای عده‌ای حتی پس از این واقعه نیز باروشن باقی مانست.

تحت توهّمات "عدل اسلامی" میدونند زده شود و زده شد. سازمان مجاهدین خلق ایران که در ماههای اخیر بزرگترین بهره را از رویکردانی نودهی مردم از حزب جمهوری اسلامی و شرکاء برده بود بایستی در حرکت خود متوقف میشد. این امر با خونتی که از خصائص رژیم کنونی است انجام شد و فتوای امام نا یک قدمی تکفیر این سازمان پیش رفت. منتسب کردن نظرات این سازمان به مارکسیسم از نظر مسلمانان معتقد معنایی غیر قابل تردید دارد. و این کتف اخیر امام بازتاب خود را در یورشهای بعدی ارتجاعیون با بن سازمان خواهد یافت. امام امت نشان داد که طالب چه نوع اسلامی است. اسلام فربه کنندهی بهشتی با اسلام شهادتی مجاهدین. ریاست فوهی عصائبه برای بهشتی، شهادت برای مجاهدین. باز بگذار مجاهدین در دامی ردن به توهم خود رسودهی مردم در مورد انتخاب امام نکوشند. باز بگذار نامه های آنجانی حضور مقدس امام بنویسند و بخاطر ایجاد امکان گسترش سازمانی خود در ادامه ی بوهم توده ها سهیم شوند.

جز این، یعنی بحر جلوگیری از بهره برداری "التقاطیون" و یا "مناقین" از افول محبوبیت رهبران اسلامی، امر مهم دیگری نیز باشد انجام میگرفت و امام امت در پیام خود از آن غافل نماند.

گفتیم که صحنه بازی "پیروان خط امام" و انقلاب فرمابنی دوم برآی عدهی کثیری از مردم بمثابة یک اقدام جدی تصور شد و بدنیال آن احساسات صد امپریالیستی مردم اوج گرفت. تو سری خوردن های اخیر "پیروان" گرچه چشم عدهی زسادنری را باز کرد معهدا لازم بود که بطور قاطع جلو توهّمات فد امپریالیستی که میتوانست در آینده باعث دردسر گردد گرفته شود. رژیمهای سرمایه داره همواره میکوشند که "احساسات" را در حد قابل کنترل نگاه دارند. هجان و شور و شوق آری، ولی عوارض جدی هیجان نه. این دونیاید

مخلوط شوند و گرنه بازی خوش خوشک جدی میشود. و این البته خیلی بد است.

ادامه ی احساسات ضد امپریالیستی مردم چند خطر برای رژیم حاکم داشت:

۱- این احساسات در ادامه ی خود موجب بالا رفتن سطح انتظار مردم میشود.

نا کی میتوان از مبارزه ی ضد امپریالیستی دم زد ولی حتی یک قرارداد امپریالیستی را افشاء نکرد؟

۲- این احساسات باعث بهره برداری نیروئی میشد که از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک برای رهبران کنونی نامطلوب تر است. بهره برداری شوروی و هواداران آن از این امر عیانتر از آن بود که برای رژیم قابل رویت نباشد. کارتر "جانی" در تحلیل نهائی خداشناس است و نیاید مبارزه با او را بقیمت خرسندی برؤنف کافر به پیشرانند. "کالای سوسیالیستی بخرد" حزب توده انعکاس خواست و انتظار شوروی بود. با این مسئله باید عملی میشد و ییای اینکه باید به چنین انتظاری تو دهنی زده میشد.

۳- ادامه ی این احساسات دست رژیم را در زد و بند و سازشهای آینده می بست. رژیم کسه میدانست علیرغم خواست مردم، روابط خود را با این ییای نیروی امپریالیست و این با آن جناح سرمایه داری حفظ و گسترش خواهد داد، و بختی از رسالت او هم همین است، در آغاز "سال تشبیت" نمیتوانست ناهد رسد احساساتی باشد که مانع از انجام خواست اوست.

۴- از آنجا که متاسفانه بخش مهمی از چپ ایران تحت توهّمات مختلف درباره ی ماهیت رژیم شوروی است هر مسئله ای که موجب تقویت نفوذ با اعتبار شوروی شود مالا موجب قدرت بیشتر این بخش از چپ میشود. برای رژیمی که دشمن اصلی خود را نیروهای چپ میدانند،

حمله به "اردوگاه سوسیالیسم" علاوه بر "منافع" مستقیم آن، در بی اعتبار کردن چپ هم مطلوب است.

۵- امپریالیسم "حمله" به خود را تا زمانیکه در محدوده ی قابل کنترل نگاه داشته شود قابل تحمل - و گاه مطلوب - میدانند، اما آنچه که کلا برای امپریالیسم نگران کننده میشود این است که این "حملات" موجب بهره برداری رقیب "سوسیالیست" شود. بنا بر این نه تنها مسائل سیاسی و ایدئولوژیک رهبران رژیم، بلکه فشارها و خواستهای نیروهای مختلف سرمایه داری جهانی بطور قاطع حکم میکرد که جلو این بهره برداری گرفته شود.

بدین لحاظ و شاید لحاظ دیگر، حمله به شوروی در دستور کار فرار میگرفت و این امر با لحنی انجام شد کسه بسیار رسا بود. سخن پراکنی بمدی بنی صدر در تأیید این نکته از پیام امام و اشاره های متعدد زعمای فم در مورد صدور انقلاب اسلامی نشانه ی آن بود که رژیم در این مورد تصمیم حادی گرفته است و متاسفانه از نظر حزب نوده و شرکاء خط امام به سکو منتهی نشده است.

کتابش مجلس و آغاز حرکت منظم جمهوری اسلامی( منظم نا آن حد که در ظرفیت چنین رژیمی است ) بزودی نشان خواهد داد که منشور ۱۳ ماده ای امام امت تا چه حد قابل تحقق است. این برنامه ی طبقه ی حاکمه است ولی در حرکت اجتماعی، برنامه ی طبقه ی حاکمه صرفا بکطرف معادله است. طرف دیگر معادله را حرکت توده های مردم تشکیل میدهد. در این مقاله جای ارائه ی پیش بینی ما در مورد جنبش زحمتکشان نیست ولی از ذکر یک نکته نمیتوانیم صرف نظر کنیم و آن اینست که اگر سال گذشته دوران اولیه ی هو شیاری مردم بود سال آینده سال آغاز سرور آن در سطح کسریده است. منشور امام، منشور امام بامی خواهد ماند و منشور حرکت توده های مردم را خود آنان خواهند نوشت.

# دانشجویان «خط امام»

## پایان يك خط!

ماهرج سهراسی

جدید سس، با اصرار مخالفت و یافتاری دانشجویان بیرو خط امام با ملاقات کمسیون سس المللی تحقیق حناات شاه و امریکا و اظهارات موافق شورای انقلاب، ریاست جمهوری و مادی مطراده بار دیگر مسئله دانشجویان خط امام، نینسر اول روزنامه های صح و عمر کسور را بخود احتصاص داد و تعدادی نه حندان انسه راه یکی دو تب در حلوی لاسه حاسوسی به حمايت و بستنایی از خود درکنار حنااتان حواساند.

این مخالفت و یافتاری با ملاقات کمسیون تحقیق از طرف دانشجویان، بهمراه پشتیبانی حزب جمهوری اسلامی از آنان، اصرار شورای انقلاب و دولت سراسر ملاقات و سخنرانیهای آقای سید صدر که از مسئله سفارت و حمايت مردم از دانشجویان حندين بار بعنوان "سرگرمی سیاسی که مردم را ارسوجه سه خواستهای اساسی خود دور نکهمیدارد" نام برده بود و بالاخره پیام رور سه تنه امام، که بسس از اطمینان از قصد خروج کمسیون سسی در حفظ همه حنااتها با خود داشت، همه این سروصداها و حجال و هاهو بیر تضاد در هفنه گذشته یعنی درست یک هفنه قبل از انتخابات مجلس شورای ملی نکات و مسائلی را در خود پنهان داشت که مسئله ملاقات کمسیون با کروکانهها تنها ظاهر آن بود، از همین رو بررسی محرد مسئله کمسیون تحقیق بخودی حسود هیچ راهی برای هم بعرضهای هفنه گذشته پیشنای ما نمیکذارد. برای تحلیل این مسئله میبایست به حرکت این دانشجویان و فعل و انفعالات درونی و رابطه آنان با حناات دیگر و وقایع چند ماهه اخیر در این رابطه پرداخت.

در نظاهرات روز دانش آموز، ۱۳ آبان، سفارت آمریکا توسط عدهئی که

در اولین اطلاعیه شان، که سیم ساعت پس از اشغال منتشر کردید، خود را دانشجویان بیرو خط امام خواندند، اشغال شد، و ۶۰ تن از کارکنان سفارحانه به کروکار گرفته شدند. که آزادینان در کرو استرداد شاه مخلوع و استرداد اموالی که توسط وی غارت شده است، فرار گرفت.

این واقعه که احبای رهبر، حلت رای منیت مردم برای قانونی اساسی، سرپوشن کذاردن بر روی شکست ارتش در کردستان و کشارها و... مسائل جنبی آنرا بسکمل میداد، همانطور که بارها در رهائی مورد تحلیل فرار گرفت استراژی پرکردن فاصله بین امام و حزب جمهوری اسلامی را که ارگانی بنام امام، اما خود مختار شده بود هدف اصلی خود فرار داده و میخواست با استفاده از نام امام که تا آن زمان صرفاً به حزب جمهوری اسلامی تعلق داشت و بسا جلب نموده هائی که بنام امام به هر طرفی روان مینوند، با حزب جمهوری اسلامی به رقابت بپردازد، و از اسن طریق برای برخی از قدرت سی نصیب ماندگان حاشی جستجو کنند. این امر در اوائل سرعت تحق یافت و ملاقات احمد حسی ویداندن سروکله آب الله موسوی حوشینی، برخی از این حیل عقب ماندگان را وارد صحنه ساخت.

وفایعی که سرعت در هفنه اول اتفاق افتاد، نشان داد که دانشجویان بیرو خط امام آنطورها که خودشان ادعا دارند، آنقدرها هم ضد امریالیسم نیستند که بنوانند میکرفکر اشغال سفارت بوده باشند. امام و احمد خمینی از مدتی پیش فکر ایجاد یک جریان سیاسی که بتواند بعدها شکل یک تسکلات سیاسی بخود گرفته و بطور مسعیم در اداره مملکت شرکت کند و سهاپما "جانشین حزب جمهوری اسلامی گردد را در ذهن خود پروراشده بودند.

بیشتر سریع این جریان که نواست در ظری بکهمه بوده های میلیوسی را در سراسر کشور سوی خود جلب کند، افق ایجاد یک جریان نیرومند را که بسواد با یک زست صد امریکائی بوده ای را که اکسرا "پایه های حزب جمهوری اسلامی را تشکیل میدادند تسج کند، در بین جسم بستاری کسراشد. اما عوامل مخلف بهمان سرعتی که این جریان را به اوج رسانید، آنرا سافظ کرد. ناخائیکه امروز دانشجویان بیرو خط امام در باان کار حوس، سهاپاسندک کسندن همان نام و همان رس، اهدافی دیگر بحر آچه در اسدامدعی بودند را تعغیب کرده و در خدمت جریان رفیبب و احبای قدر و آبرو برای کسان دیگری در آمده اند.

در این دگردیسی دانشجویان بیرو خط امام، عوامل درونی و بیروسی بسیاری همانند بیروی از خط کنکی بهمراه زیکزاکهای امام، حسم اسدار نامخص سیاسی، ترکیب با همکون عناصر آن، عدم وجود تکنیکلاب و برامه روس، خسته شدن نموده هاار سظاهرات هایپی در بی، عدم وجود آسندهای روس و محص، وعده و وعیدهای دروغ و فلابی و... در حالت داسه اند. اما سیمی از همه این جریانات که میبواست بالاخره این "خط" را نابود کند. نفس حزب جمهوری اسلامی است که با بهره گیری کامل از تمامی ضعف های این جریان خلق الساعه نوانست از یک حرکت مخالف خود، جریانی موافق و در خدمت خود بوجود سبب آورد و سمامی برسسیژ و امکاناتی را که این دانشجویان بوجود آورده بودند بخدمت خود بکشد. و عاقبت نقش بعین کسند حنیدر بود با نبود این جریان بسدا کند. وقایع سردرگم هفنه گذشته نیز در سایه نقش و حواس این حزب فاسل تحلیل و بررسی است. البته فاکتور جناح بی صدر و مخالفت علنی و ندید

سختی ریس جمهوري تا آن داسجوبان بير  
کند از آن عسوان کسانی که با طرح  
مسائل اخلاقی، مودم و هم مسئولان را  
به سرگرمیهای سریزده منکاسستند و  
اصولا "رد مانع آن ثوبه مهاره بنا  
امریکا یکی دیگر از عوامل مهم در  
ضعیف و سلبان زبیدن اس جربان  
سند، اما سرطی که جرب جمهوری  
اسلامی تا آن سو او داسد ساد .

جرب جمهوری اسلامی از همسایان  
سندا و احتمالا نسل از وقوع اس  
جربکار وجود جرسی جربانی آسگاه  
بوده و از همان روز اول نه سسک  
خاص خودی سبی در مناسله با آن نمو.  
نظور که سبج ساعستد از اسغانل  
لاندی جاسوی، جرب حاکم آمرسان  
در اسلامساید از کسانیکه اردر رسانت  
ناجوب در اینه بودند سسسانی کسود  
ساستسبی جرب را در سفالیده  
تا اسن جربان از طریق حماسه  
و کوسمن در سفود در مان داسجوبان  
نه سدا س کداس .

در اس راه جرب جمهوری اسلامی  
از ساسها و مونسنهای جوی سبر  
جوردا سود که سجوی از آنها سبر  
سپرد سب . سیمرسی آنها سصاد  
سسی و عدم وجود سرامو سربکسب  
ناجمنون داسجوبان بود . سمامر  
را دیکال در سن اس داسجوبان  
در اقلیت سودند که سدها در حدی  
سویت سوسن سس اکثریت که مورد توجهی  
جرب جمهور اسلامی سودند، سصفه  
سدد . اس سصفه جود در سن سجال  
که سسحدی سجاد داخلی داسجوبان  
بود، سساکر سفود جرب جمهوری اسلامی  
سرسود . سسکود سیدن اسناد سرفوط سد  
آنان سسپی و احتمالا "احطال سسرسجس  
با عدم سس آنها که بار نه سصفه سایدی  
دیگر اسجاد ، راه را برای سفود  
جرب جمهوری اسلامی کاملا هموار کسود .  
در سار اس مسائل، سی کفا سبی اسحد  
جوسبی و کراسی اوید ساسایدی موسوی  
جوسبی نه جرب جمهوری اسلامی، سواسست  
سرمدر سن داسجوبان را نه سفور  
عمال جرب سزاکس در آورد . سظورسده  
انسانری راجع نه روزنامی جمهوری  
اسلامی، در سد در ساسک سسفسهی  
سسکری و سسوج الحروج سدن آنساید

سسی دهان نه دهان منکسب اسجسام  
کرسو نه کسک وی آمد . اعلام اسن  
اسر مونسب وسرورزی سبرکی برای جرب  
جمهوری اسلامی بود . اعلام سدا سدد .  
جوسبی سسی سرعدم اسباط سسنا  
داسجوبان و همزمان تا آن، اسسدد س  
سوز، جوسبی برای مجلس سوزای ملی  
رسانت جرب جمهوری اسلامی، اس سوهم  
راند "خط امام " سوزا حاطی سس امام  
امد و جرب جمهوری اسلامی اساز سس  
برده و "خط امام " . را سثور کاما سخط  
جرب سسب ساحت ، اسروزس اردم ساه  
جربانی که با مخالفت با جرب جمهوری  
اسلامی آغا رکزده بود عا ساس سسایدی  
اس جرب سده اسب ، جرب جمهوری سلا . ی  
که سبری نه مرک طسبی اس سمانده طسسا  
سکود سده حداسکرا سسفا دره اسدر عوا هادی  
سن سساجهای محفل سسب سسک ساد

طری داسجوبان سبرو "خط امام " سسرد .  
سسدی ملاناس کمسسون سسبن سسا  
کروکاسها ، مخالفت داسجوبان سسبراه  
سسسانی جرب تا اس ملاناس ، سسرمسان  
با اسراسی سدر و "سوزای اسفلت" سسجام  
کرسن ملاناس ، سول سبویل کروکاسها نه  
سوزای اسفلت از سسب داسجوبان  
و همزمان با آن اعلام مخالفت اسسا .  
جرب جمهوری اسلامی در سوزای اسفلت  
تا اس سبویل ، سسرس مونسب را سراسا  
اس جرب در جرب اسس سرب اسمدان  
سوجود آورد .

سنا سوری سجاد سب کمسسون  
سحقن و سبویل کروکاسها ساری سسد .  
در آجرباری جرب جمهوری اسلامی سسده  
سود و سبب زاده و سبی سدرا سسدد .  
جرب جمهوری اسلامی سسدا را سسب جرب که در  
اسجاسا سسانت جمهوری سسرا آورده سود  
اسرای سس سسرا سوزی را از م ساس سنا  
ساسجاسی دوساره سسرد و سسواد در اسسجا  
سب مجلس سس سسکاسی را سسحقن سسرسد .  
از سب سسکرسله ی کروکاسها و داس  
جوسن سخط نام سن اسجدی کسسه  
سساوست سرای طراسن آن سفد سسدد  
سطلول اسجاد و سبی سسب سسوی سسجامه  
سبنا سب ، وجه سسره که در سسده اسسسان ،  
جرب هم نه جربکه مدافسین سسی سساسس  
" سدا سسرای سسی " سد سسدد و جودی  
سسان دسدد . سس اسرت تا کهای کمی سسون  
نه ارویا ، سسروا سها سسحن در اسس سسار

داسجوبان ساسی ساسدد ، ولی اس  
اسر سبودی جود سسور سسما ساد سس ایس  
ساری سسب ، "خط امام" نه آجرب سسده  
و با سسجام اسسجاسات مجلس آجرب سس  
ما سوزس آنها هم سسبا سس جواد سسید  
آسحد که مبی سدا مادی سساره ساطس سسجم  
سدا سسرای سسب . اسب ، سساره ای کسه  
سسد علیه سسام سسکا سسهای سسب سسکا  
کسجی و عسوا عسما هادی سسبا سسدادی اسجا  
سسی . سسرد .

### انتخابات

در اس سسب کدکاس سسده های جرب سسکرات  
در اس سسون دوس سسب سسراز  
کاسد سهای کوسله سسی کرسدد . سسروگی  
جرب سسکرات سسبری را در جواد سسددی  
کرسدن جواد کداس و اسسمال سسازس  
جرب سسکرات - حول طرح سس ماده ای جرب  
سرای جود سسجاری - که اکسود سدا سس  
سسد ساسده در مجلس از مونسب سسسا  
سس سسکم سری سسجودار اسس ، را سسرام سس  
جواد کسد . اکسود سس امکان آغا سسک  
محدد در کرسدن اسسمال سسکراری  
اسسجاسات در سسبج ، سسروان ، سسرز  
سسارکم اسب و اسسمالا سسها سسجانده ،  
که اسجاس سارما سسبای جرب و سسسون  
سسانده طسب سبای سس سس سس اسرا سس  
مجلس سسرا راه سسدا سسکس ، کاسد سساید  
سارمان جربکهای سدای طی اسرلوسسب  
اسب .

اما سسرس سب آورد اسسجاسات سسه  
سسکک اس مسائل سبوی ، سسکه هسا آگاه  
سدن سساری اسسوده های مردم ارد ساس  
وسطسب سسزم حاکم اسب . سساری از  
مردم سراس ساور سسدد که در جاس سسسه  
"سب آراد" سس سدر ودر سسرو "سظم و سنا -  
سب" جمهوری اسلامی، سسسدی و محافس  
سسزم سسرسوا سسدد و ارد سسحقن سسود ، ولی  
در عمل و نه جربه "دی کراسی" اسلامی آسان  
رالسن کرسدد . مردم سرای العسس  
در با سسدد که "سکر سسی اسلامی" آسان  
سبری جرب سسرا سسبیل سد در سد ، سبیل  
"جسب و سسوزو سسحق" سس سسواس سساجب  
اسر با کاری سسب ، را سسکسای اسسد  
سساز اسب .



که اتفاقاً حساب‌سره‌های وسیعی از جامعه را بستار دانسته و نفس‌جانیکارانیه و بنیاد بر اندازمان در سطح جهانی می‌شوند برای کسانیکه هنوز از تاریخ ناموخته‌اند، آموزنده باشد. بن‌سعار ارس‌نسب‌ملنیونی که امروز از جانب رهبران دولت‌سرمایه‌داری ایران طرح شده به سبها از لحاظ واقعات عبر عملی، بوهام‌آمبر و نحمیق‌کننده است‌بلکنند حتی در صورت عملی شدن آن سر بعنوان نحسی از ارکانهای دولت‌سرمایه‌داری ایران فقط می‌شوند در خدمت منافع رژیم حاکم و نفویت‌سرمایه‌داری ایران فراریکنند و به‌هر خدمت‌سروهای ابتدایی. ضامنانه فدائیان از آنها که در دنباله‌روی از حربه‌بوررواری و شعارهای آن سر از هر خبر دیگر بکسر شده‌اند، بسیار سر بر حمدار دفاع از شعاری مسوند که نحقی آن یعنی بوده‌های بدن و نفوسیت هر حد سر ارس‌رزم سرمایه‌داری، اولسی مرتبه را سر بکسر نحس‌انقلابی حب و خود فدائیان وارد خواهد آورد. نمی‌استد در اینجا نما اراد کرفند بود که سعار نسکل‌ارنس‌نسب‌ملنیونی "صرفاً" بک سعار مربوط نآسده است و هنوز بحرینادی برای روس بدن همدی روانسای آن و امولا امکان نحقی آن بوسط رزم فعلی ایران، ناند تورب‌کنند، و از نسرو دفاع فدائیان از اس سعار

صلح بودن به بنس بوسالسم علمی است. در بر خورد به کفیه‌های حساب‌سی صدر رئیس‌جمهور دولت‌جمهوری اسلامی و در سر بح و طلائف‌دولت، فدائیان اس وظایف‌ترا انتظار بنان میکنند:

"وطندهی دولت‌اس است‌که در جامعهی ما که نحب سم استعمار هسیم، اس است‌که مردم را صلح بکند برای اینکه با سرمایه‌داری بحکد، برای اینکه با امبرالسم بحکد... فکر میکنم اسان (سی صدر) معتمد ناسند با کفیه ناسند اما در عمل ناند دید که حی مردم را، حی‌بودهی مسمفد را ناند داد."

فدائیان در اینجا موضعی را ارار میکنند و آنحسان عظمی از نظر ماهیت‌طنبانی برای دولت‌فعلی فائل می‌شود که حی دولت‌آسدهٔ محصول بر بنوریک آنها (دولت‌طنبی مسخ از سوری انقلاب‌دموکراسیک) سر قادر به برابری با آن وانحام‌حس رسالت‌عظمی‌نسب. آنها معتمدند که دولت‌فعلی دارای آنجان طرسب‌طنبانی و آنحسان رسالت‌کرفی است‌که قادر است "مردم را صلح کند" به منظور اینکه "با سرمایه‌داری بحکد" ناند برسد مکر حی دولت‌آبی مورد انتظار نما، "دولت‌تمام حلقی" صادر

**فدائیان از آنجا که در دنباله‌روی از حربه‌بورروازی شعارهای آن بیش از هر چیز دیگر پیگیری شده‌اند اینبار نیز بر چمدار دفاع از شعاری می‌شوند که تحقق آن یعنی توده‌های شدن و تقویت هر چه بیشتر ارتش رژیم سرمایه‌داری، اولین ضربه را بر پیکر جنبش انقلابی چپ و خود فدائیان وارد خواهد آورد.**

است‌که "با سرمایه‌داری بحکد" که سما اس حی بر خورد اجرایی را بدولت‌سرمایه‌داری حاکم می‌مانند؟ دولت‌سرمایه‌داری حاکم چگونه می‌شوند با مسخ و صلح بوده؟ با همان سرمایه‌داری ای که خود مدافع و حافظ و نمایندهٔ آست "بحکد"؟ اگر سما براسی معتمدی که وظیفه‌ی دولت‌چیک با امبرالسم و سرمایه‌دارسب‌سپس برای یکبار هم‌که‌سده‌روس‌کنید که در موضع‌آموز نسون نسند و افلا" نفس‌خود را بعنوان حامی و نسببان دولت‌بدرسی ایفا کنند و اس بوده‌ی هواداران خود را از سردرگمی و کجی رها سارند. حداقل فائده‌ی اینکار این خواهد بود که مردم نحسب خواهند داد صفیدی طیفی‌جکوبه است و سما در کجا فرار دارند. حداقل بوده‌ها و مردمی که آسعدر از آنها در نباحه ناند کردید خواهند فهمید که درک‌سما از میارزه با امبرالسم و سرمایه‌داری، از بوسالسم و کموسیم حسب و کورکورانه به دنباله‌بان نخواهد آمد. واقعاً ناند دید دلیل آنهمه اصرار شمدار دادن وجهی ضد امبرالسی و ضد سرمایه‌داری به دولت‌حاکم حسب. سما در اینکار خود آسعدر اصرار کردید که حی حزب‌در دهان بسی صدر کداسند و به اسان فهماندید که نحسب‌نحس‌انسان نیز بر اس اعتقاد است‌که ناند با امبرالسم و سرمایه‌داری بحکد. انتظار که خودعالیحا

می‌شوند آنقدرها مسوح‌مدمد و سررس ناند چون به‌هر حال منخور فدائیان دفاع از یکی از نهادهای کیوسیی دولت‌نسب. لیکن بنظر ما نحس‌نسب و فدائیان فدینا با عنوان ساحس مسالیدی سیاه ناسداران که اتفاقاً یکی از ارکانهای سرکوب‌دولت‌فعلی و بندام برس آنها است و دفاع از آنها با اس موصح محک‌که اکثریت‌آسان "حان بر کدکداسند و با رزم کدسند بحکند" ولیکن امروز در آنها "حاجه‌هایی بوجود آمده که کوس می‌کنند اسها را بندام کند". برای العس روس می‌کنند که مسطورسان حسب: دفاع از دولت و نهادهای آن و فقط بحالفت‌با برحی از حاجتها که اس نهادهای حلقی ای و ابتدایی را بندام میکنند.

فدائیان در اس مناظره به سبها دفاع از دولت‌و ارکانهای آن برحاسند، به سبها فدعان ساحب‌خود را از ماهیت‌رزم به نمانس‌کدارند بلکه آنحسان نفس‌و مقامی برای رزم منصور دید که حی خود رژیم حاکم و مسولس آن سر ناکسون نحس ادعاهائی بکرده‌اند. رهبری فدائیان نحس نحبها دولت‌را از "سرسی" و "حلقی" سر فرار برده و به ضد سرمایه‌داری و بوسالسمی ارشاد دادند. اس موضع براسی‌حرب‌آور و آموخته‌سده است، بوسزه آنکه از طرف‌سارمایی عنوان مسود که مدعی

نی صدر را بر نه بحر واداست .  
 در واقع مسوان گفت که مناظره‌ی تلویزیونی،  
 مساحت‌های با مسئولین دولت در جهت‌افزایی حاجت‌های بلند  
 اندی و "حک‌طلبی" و ایجاد تفاهم با حاجت‌های غالب‌کننده  
 گران‌بیمارانه با امیرالینم و سرمایه‌داری دارند بود .  
 و بالاخره می‌سپاند و با خوشحالی در انتهای مساحتات  
 سار کدار از سچ و جهت‌های فراوان این مهم حاصل شد و  
 حداقل اینکه این ابزار تفاهم فدانشان با حضور رئیس  
 جمهور و "رهبر انقلاب" بد سینه رسد . سینه این سند  
 که حتی مسالده‌ی ارضی و مسالده‌ی حک‌دهفانیان و فتودالها  
 که رسدی اصلی حوادث کنند و ترکمن صحرا را سبکی  
 می‌داد ، از این سرباز ساعده‌ی رژیم جمهوری اسلامی و طرح  
 "مرفی" حساب‌آسارضا صفت‌هایی معاوان و راربت‌گیاوری .  
 نکلی حل خواهد شد و از این نایب‌گراسی می‌شود وجود  
 داسد ناسد . و بالاخره در این نبخ‌آخر فدانشان سب  
 صراحت‌کنند که خواهان همکاری با دولت هستند . دولتی  
 که آنرا در صحت می‌داند و معتمدند مسائل درون حلقی را  
 ناسد از راه صلح‌آمیز حل کرد :

"طرحی داده آتای رضا صفت‌هایی که احرا هم  
 کونا همان طرح صورت‌ده ... آن طرح را ما  
 کنیم که صرفی است . رسی صدر : خوب حالا این  
 حد حکمی لازم است این طرح مرفی که صورت  
 بد ) ما حکم کردیم ، ما حکم نکردیم آتای  
 رئیس جمهور ... ما با رجا اعلام کردیم که حکم با  
 دمن ، دمن امیرالینم سرگرد کی امیرالینم  
 امریکا است . رسی صدر : دولت نمانده‌ی  
 امیرالینم است : آاره بدهد ، آاره ندهد  
 ما اعلام کردیم که در دولت ، بحلی که فـ  
 کردیم از دولت ، اعلام کردیم که حاجت‌های  
 محلی وجود دارد . اعلام کردیم که چه حیوری  
 هست . دیدند که حظوری از آتالله حمصی  
 حجاب‌کردیم . همدی مردم ایران دیدند . همه  
 باهدند . بنا دیدند که ما حظور با حزب جمهوری  
 خلق مسلمان برخورد کردیم ... حرنی که معتمدیم  
 وایسد بود به امیرالینم امریکا و حکم‌گوی  
 ساه باسداران در قم گفت که اینها ( فدانشان )  
 همکاری کردند ... ما فقط با امیرالینم امریکا ،  
 با دمنان خلق محکم و اعلام کردیم که در درون  
 صغوف خلق در درون مردم هر نوع مخالفی ناسی  
 از طریق مبارزه‌ی سیاسی ، مبارزه‌ی غیر مسلحانه ،  
 مبارزه‌ی آبی بدر ادامه پیدا کند . ای  
 اساساً ما رمان ناسد ."

حوب‌بیس‌یر ما و خوانندگان و همی ستمدگان مناظره‌ی  
 تلویزیونی روسی بد که بمادهای درون حلقی با دولت‌را  
 حظور ناسد حل کرد . از طریق نحت‌سای و مناظره ،  
 مسالمت و تفاهم ، آبی بدری و مسالمت‌جویی ... .  
 دمن ، امیرالینم است و ناسد آن حکم می‌کنی سب  
 دمن هیچ رستی با دولت‌حاکم جمهوری اسلامی ندارد .

ساله فقط بر سر حجاب‌هایی از آسند و نه کل آن . سپهر  
 کواه این امر بر حجاب‌ها از آتالله حمصی و حجاج  
 مسلط‌انسان در دولت است .

در پایان ذکر چند نکته را ضروری می‌دانیم .  
 مناظره‌ی تلویزیونی در عین آنکه تروسی اعتبار حجاب  
 رژیم بویزه در حوادث کنند و ترکمن صحرا بود ، امسا  
 در عین حال به صران بسیار زیادی مورد بهره‌برداری  
 حجاب‌رئیس‌جمهور جدید الولاده قرار گرفت و نظر ما  
 عدداً بخاطر مواضع اجرائی فدانشان نسبت دولت و  
 حله‌گری سخن رئیس‌جمهور ، سوانساده آتای عوام‌فریبی  
 رسی صدر سدر دارد . در این صان رسی صدر بر که خود را  
 ربر جهری نمانده و سمیل نمانده حاج "مرفی" نمنبت  
 حاکمه آراسه بوده‌گوسد که بوهجاب جدیدی را در دهن  
 بوده‌ها الفنا . کند . طرح سوالاتی از نمنبت اینکه در کج  
 دننا رئیس‌جمهور حاضر می‌شود ۴/۵ ساعتاً مخالفین  
 نحت‌کنند ، و با "مردمی کدها ۹۹" رای ما را انجساب  
 کردند ، اثر در رفراندوم آسده رای به خلع سلاح گروه‌هایی  
 ساسی دادند آتا سما می بدرند دسار اسکارها سبر  
 دارند ، و سیرد با نوجد به اینکه فدانشان بر ناسی  
 برای نمانده‌اند ، به سمنوی هم‌بوده‌ها نسبت به سخن رژیم و  
 ظاهر سردارهایی آن کمک کرد . البته علت اصلی فعدان  
 پاسخ از جابت فدانشان را کدسه از سب نماند در نحو  
 استدلال و صد نحت‌فدانشان بسجگو کرد . آنها در سراسر  
 نحت مریزاد "مردم" و "نوده‌ها" و غیره صحبت کردند  
 بدون اینکه روس کنند این مردم و نوده‌ها در برانشند  
 حاضر در حد مؤسسی سبر سبرند ، حدود آگاهسان حسده  
 نطبغات رژیم و بوهجاب اندولوریک‌حه سرور انبها  
 آورده و چرا و حکونه این رای های ۹۹% آتای رسی صدر  
 را بر رئیس‌جمهوری می‌سپاند و رژیم سرمایه‌داری را سفا  
 می‌کند . نکرانده‌آلسی و سولیسلی "مردم هر جه  
 نکونند همان است" بالاخره به اشرفی در دس‌آتای رسی صدر  
 تبدیل می‌شود که با اسناد به آن وی مروراند بکونند  
 که سما حر ، ان ۹۹% بسسد سحر : مردم بسسد و اگر  
 می‌خواهد ناسد بس‌نماند به رای و نظر آن ۹۹% در حجاب  
 از دولت سرمایه‌داری ، در دفاع از خلع سلاح گروه‌هایی  
 ساسی ... کردن نگذارند و از ما بی‌سبایی کام  
 کنند و کربد در نمدسماان و بد انقلاب خواهد بود .  
 آری ، آتایی سدر سراسر همه سفسطها و عوام‌فریبی‌های  
 خود و نلایی که در اتحاد بوهم دموکراسی در جامعه بخاطر  
 سرکرد در مناظره با مخالفین و کتب‌وجهد سنوان رئیس  
 جمهور "ماورا ، ظننات" ، "دموکرات" و "آرادمین" کرد ،  
 از این امر سبر که طرف‌مقابل را ناسد سهر سربسا  
 آسی و تفاهم هر چه سسیر رانعت‌کرد ، غافل شد و نالان  
 حره جراع سبر را بطور کلان‌آشرفی روسی کرد که حـ  
 فدانشان با اعمال خود ننهانه نسدب حاجت‌های ساسی  
 مخالف‌انسان مدهند و موضع‌بوی را که در نحت‌سباج  
 "مرفی" اسد جارج اسکال سسارتد .  
 "سما هی ریباد حرف می‌سپند از وجود جباحتهای





# زیمبابوه

## شمشیرها یا خیش گاو آهن

بهرام معوی نیا

ترکیب احزاب سیاه پوست فوق که همگی کم یا زیاد ساحت و برداخته‌ی اقلیت سفید پوست بودند، خود کافی بود تا نتیجه‌ی این "انتخابات" را نزد توده‌های زحمتکش سیاه پوستان بی‌اعتبار سازد. امتحان این انتخابات یحیی رسید که حتی سازمان ملل متحد و "سازمان وحدت آفریقا" نیز آنرا بی‌اعتبار اعلام کرده و خود را موظف به پذیرش نتایج آن ندیدند. بنابراین روشن بود که علیرغم اینگونه راه‌حلهای مابین، جنگ آزادیبخش در زیمبابوه ادامه خواهد یافت و ادامه نیز یافت. جبهه‌ی میهنی‌روروزبه‌پیروزیهایی‌بیشتری دست یافته‌وسا انخادسیاست عدم‌رازش‌بسا نژاد پرستان و تبلیغ شعارها و خواسته‌هایی که مستقیماً از فقیرترین اقشار زحمتکشان این کشور سرچشمه میگرفت موفق شد پایه‌های توده‌ای خود را هر روز بیشتر گسترش داده و عرصه را بر نژاد پرستان تنگ‌تر کند. هنوز چند ماه از انجام انتخابات قلبی در آوریل ۱۹۷۹ نگذشته بود که نژاد پرستان سفید پوست مجبور شدند با میانجیگری انگلستان جبهه میهنی را دعوت به مذاکره کنند. اروپای غربی و ایالات متحده نیز که در صورت ادامه‌ی جنگ منافع خود را در خطر جدی می‌دیدند از این پیشنهادها استقبال نکردند. نژاد پرستان پشتیبانی کرده و رژیم نژاد پرستان اسمیت را برای پذیرش پیشنهادات خود تحت فشار قرار دادند. مذاکرات در لندن آغاز شد و بعد از هفته‌ها کشمکش به نتیجه رسید. بر اساس طرح تنظیم شده در این مذاکرات، یک فرماندار انگلیسی برای زیمبابوه در مدت آتش‌بس تعیین شد، و طرفین موافقت کردند که دولت آینده را حزبی که اکثریت پارلمان را بدست می‌آورد، تشکیل دهد. از مجموع ۱۰۰ کرسی پارلمان ۲۰ کرسی برای اقلیت ۲۰۰ هزار نفره سفید پوست

از این پس در زیمبابوه رسماً دو جناح زایو به رهبری نکومو زانگو به رهبری موگابه مبارزه علیه رژیم نژاد پرستان اسمیت را آغاز کردند. زایو، سیاستی میان‌رو و محافظه‌کار در پیش گرفته و عمدتاً منگی بر روابط قبلی‌های بودو زانو، سیاستی رادیکال و مارکسیستی را ادامه داده و خود را بر اساس موازین انقلابی شکل داد. در سال ۱۹۷۶ زمانیکه بان اسمیت طرح کینینجر برای رودزیا را رد کرد این دو جناح با یکدیگر ائتلاف کرده و جبهه‌ای بنام جبهه میهنی ایجاد نمودند که هدف آن پیش بردن متحد مبارزه‌ی مسلحانه علیه رژیم رودزیا بود.

در سال گذشته بعد از موفقیت های چشمگیر جبهه میهنی در جنگ آزادیبخش، نژاد پرستان سفیدپوست در صدد برآمدند تا با انجام انتخاباتی قلبی و ساخکی، اکثریت سیاه‌پوست این کشور را نیز ظاهراً در حکومت سهیم کرده و تحت پوشش یک دولت سیاه پوست، بعارت منابع طبیعی این کشور همچنان ادامه دهند.

این انتخابات از ۱۰ تا ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ انجام گرفت و اسقف موزوروا، یکی از رهبران مذهبی دست‌نشانده‌ی سفید پوسان اکثریت مطلق آراء را برای تشکیل دولت در این کشور بدست آورد. در این انتخابات ۶۳/۹ درصد مردم شرکت کرده ۲۸ کرسی که برای سفید پوسان در نظر گرفته شده بود همگی نصیب حزب "جبهه میهنی رودزیا" به رهبری بان اسمیت شد. بقیه‌ی ۷۲ کرسی را نیز، همانطور که از قبل پیش‌بینی میشد حزب اسقف موزوروا بنام "شورای متحد ملی آفریقا" و "شورای ملی آفریقا" به رهبری اسقف‌سیتوله و حزب ملی متحد بین خود تقسیم کردند.

هفته‌ی گذشته، لرد سومز، فرما-ندار انگلیسی زیمبابوه، پس‌روزی رابرت موگابه در اولین انتخابات آزاد و عمومی این کشور را رسماً تبریک گفت. موگابه در آینه‌ی نزدیکی و در روز استقلال، انعام و وظائف خود را بعنوان نخست‌وزیر زیمبابوه آغاز خواهد نمود.

انتخابات ماه گذشته‌ی زیمبابوه، آخرین مرحله‌ی طرحی بود که نیلا و بعد از هفته‌ها مذاکره و کشمکش بین نمایندگان جبهه میهنی و دولت انگلستان مورد موافقت طرفین فرار گرفته بود و بر اساس آن میبایست بعد از طی یک دوره‌ی کوتاه موقت گذار، استقلال باین کشور بازگردانده شود.

در زیمبابوه، یکی از آخرین مستعمرات بریتانیا در آفریقا در سالها قبل جنگ آزادیبخش علیه نژادپرستان سفید پوست و حامیان بین‌المللی آن آغاز شده بود. هم زمان با گسترش مبارزه اوضاع سیاسی در زیمبابوه نیز تغییر یافت. در سال ۱۹۶۱ حزب ملی دموکراتیک توسط جوسوان نکومبیکسی از رهبران سیاه پوست این کشور تاسیس گردید. در همین سال رابرت موگابه نیز به حزب پیوست. در سال ۱۹۶۳، رابرت موگابه به دلیل سازشکاری نکومو و اقدامات او برای ائتلاف با اقلیت سفید پوست در این کشور از این حزب جدا شده و به جبهه‌ای که توسط کسین ساه پوست سیتوله و بنام "اتحادیه ملی آفریقای-زیمبابوه" (زانو) نامیده میشد پیوست و به دبیر کلی آن رسید. بعد از این انشعاب حزب ملی دموکراتیک نیز به "اتحادیه خلق آفریقای-زیمبابوه" (زایو) تغییر نام داد. سیتوله بعد از اینکه زانو سیاست رادیکال انقلابی در پیش گرفت از این اتحادیه خارج شد.

و ۸۰ کرسی باقیمانده به اکثریت ۷ میلیونی سیاه پوست اختصاص یافت. احزاب مختلف هر یک جداگانه مبارزه‌ی انتخاباتی را آغاز کردند. "زانو" و "زایو" که قبلاً در جبهه‌ی مهبی مبارزه‌ی متحرک علیه سزاد برسان و اسممارکران را به پیش برده بودند، از یکدیگر جدا شده و دو بلوک اصلی را تشکیل دادند. در کنار آن حزب موزورو که سابقاً دیگر سازتکاران سیاه پوست متحد شده و جناح ارجاع در بین سیاه پوستان را سبک می‌داد، در کنار دو جناح مهم سفید پوست هریک برای کسب اکثریت به تبلیغ پرداختند.

رادیکال ترین جناح، "زانو" بود. روبرت موگابه در جریان مبارزه انتخاباتی وسیعاً بر ایجاد یک جامعه‌ی سوسیالیستی و انقلابی جامعه‌ای که در آن مبارزه‌ی طبقاتی نامحوکامل استثمار ادامه خواهد یافت تکیه میکرد. و در ضمن هشدار بمردم در مورد خطراتی که انقلاب را تهدید میکند، آنان را فرا میخواند که با استقرار یک نظام سوسیالیستی و انقلابی، از مبارزه علیه دشمنان خود چه در داخل خاک کشور و چه در خارج از آن دست‌نکشند. او که از پشتمانی چندین سال مبارزه‌ی انقلابی برخوردار بوده و صداقت گفته‌هایش را در طول مبارزه به اثبات رسانده بود، بروشنی از بستنیانی وسیعتری نسبت به دیگر رقبایش برخوردار بود.

حوشوانکومو، رهبر زایو، مبنی بر میانرو را تبلیغ کرده و برخلاف موگابه انجام انتخابات و نتیجه‌ی آنرا در صورت پیروزی جناح‌های انقلابی سیاه پوست، پایان مبارزه قلمداد میکرد. او تصور میکرد که میتواند توده‌های حسته از جنگ و بی‌خانمانی، توده‌های در آرزوی آزادی و صلح را با تبلیغ این شعارها به حمایت از خود ترغیب کند.

جناح سوم، اقلیت حامی اسقف موزورو افساء شده‌تر و بی‌آبروتر از آن بود که بتواند مبارزه‌ی تبلیغاتی وسیعی در بین اکثریت

محروم سیاه پوستان را دامن بزنند. او حداکثر میتواند به پشتیبانی عده‌ی قلیل و ناچیزی از سیاه پوستان و دو رکه‌های مرفه در شهرها و کسانی که از حاکمیت سفید پوستان بر زمین‌بایوه منتفع شده بودند امیدوار باشد.

انتخابات در ماه فوریه انجام گرفت. و نتیجه‌ی آن زیاد غیر قابل انتظار نبود. حزب "زانو" اکثریت مطلق آراء را بدست آورد. در این انتخابات که میتوان آنرا آزادترین انتخابات در قاره‌ی آفریقا دانست، ۹۳ درصد تمام کسانی که حق شرکت در انتخابات را داشتند شرکت کردند و ۶۳ درصد آنها آراء خود را بنام کسی که صدوفها ریختند که سالها سفید پوستان از او بعنوان "رهبر باشد" جانان ترورست و "سک هارسخ" نام برده بودند.

رابرت گابریل موگابه، رهبر "جبهه‌ی ملی آفریقا ریمباوه" اولین نخست وزیر سیاه پوست ریمباوه بود.

بسی ترتیب از مجموع ۱۰۰ کرسی پارلمان، ۵۷ کرسی را زانو، ۲۰ کرسی را زایو، ۳ کرسی را اسقف موزورو و ۲۰ کرسی باقیمانده را سفید پوستان اشغال کردند.

موگابه بعد از اعلام پیروزی‌ش در انتخابات اعلام کرد که:

"دولت او تمام کوشش خود را بکار خواهد برد تا همه به پیروزدگان و شکست خوردگان احساس امنیت ببخشند. دولت او عدالت را رعایت خواهد کرد."

موگابه از هم اکنون لیست کابینه‌ی آینده‌ی ریمباوه را اعلام کرده است. او خود در کنار پست نخست وزیری، وزارت دفاع را نیز بعهده خواهد داشت. وزارت کشور پست مهم دیگری کابینه که در حفظ آرامش آینده‌ی این کشور نقش مهمی خواهد داشت، بعهده‌ی جوشوا نکومو واگذار شده است.

سیمون منرندا، معاون زانو، ویکی از رهبران جناح رادیکال این جبهه معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه خواهد بود. یکی دیگر از رهبران

جناح رادیکال جبهه اوکارنکره، دسر کل جبهه وزیر برسامو و بیسرفو ابون نکونگه و ررافضاد خواهد بود. در کنار این وزیر سیاه پوست دو س از سفید پوستان نیز به کابینه‌ی موگابه راه یافته‌اند. وزارت کشاورزی به رئیس اتحادیه‌ی دهقانان ریمباوه دنیس نورمان واگذار شد. و دبیر اسامیت وریر اقتصاد سابق در دولت نژاد پرست، به وزارت تجارت و صنایع خواهد رسید.

آنچه در نظر اول به لیست کابینه‌ی موگابه، عجب را بر می انگیزد، ترکیب نامتجانس اعضای آنست. در این کابینه از رادیکالترین جناحها تا وزیر سفید پوست وابسته به اقلیت نژاد پرست همه حضور دارند. آیا جسی ترکیبی نام واقعی اوضاع سیاسی و متحده، اسباب ریمباوه است و یا گامی بعقب در جهت سازش با سرمایه‌داران و غارتگران؟

نگاهی بوضعیت کنونی ریمباوه شاید بتواند پاسخی برای این سؤال باشد.

روشن است که هنوز با وجود پیروزی انقلابیون در انتخابات، تمام مواضع حساس اقتصادی در دست سرمایه‌داران و وابستگان به آنهاست. سرمایه‌داران با وجود شکست سختی که در انتخابات خورده‌اند، هنوز از پناهنشسته و برای کسب مجدد آنچه که در سالهای گذشته از دست داده‌اند میکوشند. در این کوشش آنها تنها نیستند. امپریالیستهای اروپایی و ایالات متحده با تمام قوا از آنها پشتیبانی کرده و آمادگی خود را برای حفظ منافعتان اعلام کرده‌اند. منافعی که در گرو حفظ روابط اقتصادی موجود در این کشور است. تمام آن کشورهای که سالها از تحریم اقتصادی رودزیا با وجود قطعنامه‌های شداد و غلاظ سازمان ملل، بازار مشترک و سازمان وحدت آفریقا با استفاده از انواع دسایس شانه خالی میکردند. امروز حاضرند با کوچکترین بهانه‌ی اقتصاد این کشور را دچار چنان تنگناهایی کنند که به شکست دولت موگابه و



مشکلات باسی اردبیکروسی مناسب است بولند همسک ناح . آنچه هست است که ریم بمانده بر سرمایه داری است و حسن هیتت خاکمه ای می تواند مکتلا سرمایه داری را حل نماید . از طرف دیگر اختلاف بوررواری و خرده سوررواری وجود کمیت قابل ملاحظه دو مریکه با کیفیت نسبی اولی همسک مسود ، بعد دمراکز قدرت و تصمیم گیری را بوجود آورده است این مراکز ، همانگونه که به بارزگان فرصت ندادند اکنون بی صدر را سرراحت است نمکدارند که سال فاضل را بکند . ابرار اس مسئله از طرف حکومت بازرگانان و اکنون بی صدر کو بای این امر است که هر دو سپه را به نجات خود را در سعویت قدرت مرکزی و سرکوب همه مخالفین میدانند با فراغ بال اهداف خود را تعقیب نمایند . بعلاوه مسئله سررک و فاعل توجهی چون حل مسئله ملی که حق غیر قابل انکار حلقهای کرد ، ترکمن ، ترک ، عرب و . . . . است ، بواسطه وجود همس عناصر همگون در هیتت خاکمه ، تلاخوات مانده است و عملاً بجای پاسخگوئی به مسائل حلقهای مبارز است سرکوب درینس گرفته شده است . همچنانکه می بینیم که بی صدر با س خود را در هر دو جنبه سه مبارماند . برای حل ؟ مشکلات اقتصادی با بدین طبعانی و بر اقتصاد سوخیدی ؟ این به حالت اروپا و رایس روی مآورد اما مشکل اینجا است که سرمایه اروپا و رایس این مساعانه ! حلقه ای از زنجیر سرمایه داری چنانست که حلقه دیگر س امریکا است . امریکا سردس حریف را خوانده است . او ایما " اروپا و رایس خاص نیستند ، بدون حل مسئله کروکانه ؟ امریکائی لانه سوسی با ابرار وارد مذاکرات اقتصادی کردند . اما بی صدر رئیس جمهور ۴۵ ملیون است و بخت خود را ممانند . کمسیون تحقیق را با سواقی امام فرا میخواند . در چند مباحثه و بطق قبل از ورود هیتت رسمه را برای بی اعتبار کردن عمل دانشجویان پیرو خط امام آماده میکند . ولی حریف سعوی خرده سوررواری تا کم و بس برد دولتی بکار چه دست رده سینه بی صدر میزند . کمسیون تحقیق تا کام ، ایران را ترک میکند اما عقبه افسار نگاران با جذب از طرف خرده سوررواری ادامه

میاید . مسئله سر روید و بیو دیکیسار حریفان است . بی صدر اکر باری را برد خرده سورروازی را با سحر سرروروسی افضا دو واسه در این بکنای هولناک ففرو بیکاری لای مکنه خواهد گذاشت و حاکمان " منتصف " رفت را از دس خود دور نمود . خرده سورروازی اینرا در یافت و با همه سر و به حمایت از دانشجو بان پیرو خط امام رفت و کمسیون نحقی هم رفت . امام جمعه بهران سر در نما رجمه ۱۲/۲۴ " بی بی صدر کف کد " ما قطعاً بدکی نمیخواهیم . ما اقتصاد می خواهیم " بی صدر تا کام ماند و حداقل در این مرحله سازی را ساخت .

به حال در برابر همه اس مسائل رژیم کنونی مناسه است عدم اسحام و با همتوسی در ترکیب طبعانی قدرت حاکم قدرت بر ما مریزی و اجرا ، را اردولنمردت طلب کرده است . تنها راه باقی مانده سرکوب است امری که اجرا هیتت حاکم با بدت و ضعف سررآن و حدت دارند . اما سرکوب مفاومت مفا فرید ، مردم دیگر بقول بارزگان " بررو " تده اند . وقتی ارس دست نخورده آریا مهری با ژنرال های تعلیم دیده امریکا محلات مردم را با سوب و بران کند و وقتی یاداران ، بطهرا آرام مردم را با سلحه پراکنده سازند ، مردم " بررو " نیز مفا بله به مثل خواهد کرد . و این برای رژیم خمسی - بی صدر خطری است به بزرگی یک انقلاب .

بعلاوه اقتدار مرفه جامعه ، برای حصول روابط گذشته " امنیت " میخواهد اسرا رای سه میلیونی احمد مدنی میکویسد . " امنیت " حداقل سه میلیون رای ثابت دارد که بار مانی که سلحه در دست زحمکسان و نیروهای انقلابی است ، این رای بسوا نه یک کودتای نظامی باقی ممانند . بی باید آرا از آن خود صاحب . اینجا است که بی صدر مسئله طبع سلاج را بکنار دیگر مطرح میکند و بکناره است مسلمان حزب جمهوری اسلامی به آن لبیک میکویسد و راهیمائی ها آغاز میشود ، اما در اینکه آقای بی صدر جقدر در این میان برده خواهد شد ، امری است که به عوامل بسیار وابسته است . قدر مسلم اینست که ناری سادای نیست ، مردم نارمانیکه ارس آریا مهری بعنوان وسیله سرکوب

در خدمت سرمایه است . سلاح خود را حفظ خواهد کرد . و این وظیفه آقای بی صدر است که با زمان امتنت را برای کشف سلحه و سعیر و وسیع را زد و خانه گردیها را آغاز کند . و این برای حکومت بی صدر آینده حوسی را تصور نمیکنند . ●

## اطلاعیه

آن ، با مسلزم اس بود که ما سروری بسیاری برای آن نگداریم (و بنا بر این از با س روابط مبرم خود با ما نسیم) و بنا محربه آن مسد که در موارد مکرر و روبه ارداد با س مفا بطرات خود وجهه مواجه سویم و عملاً " در حبه ای با سیم که می کلی آن از مسرفا بل قبول برای ما حرکت نمکند ، مفا فیر آ که سعیرا بی شرایط را در آینده نزدیک نیز محتمل نمی دیدیم ، لهدا تصمیم به خروج با زمان خود از حبه دموکراسک گرفتیم و این تصمیم را در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۸ رسماً با اطلاع حبه رساندم .

خروج ما به ممتلعه بی ضرورت وجود حبه دموکراتیک ملی و به بی ضرورت مبارزه دموکراسیک است . در مورد اول ما از موائع اصولی و درست حبه دموکراتیک در آئیده دفاع خواهیم کرد و همکاری خود را به از درون بلکه از بیرون آن در مواردی که درست و اصولی ارزیابی کنیم ادامه خواهیم داد . و اما در مورد دوم ، یعنی ضرورت ادامه مبارزه دموکراسیک ، ما با همان بد گذشته به آن اعتقاد داریم ، همان روابط و ضوابط را برای آن فائلیم و ادای سهم خود را از مجاری دستگردنیال خواهیم کرد .

● ۵۸/۱۲/۲۷

هفته نامه

# رهائی

نشریه

## سازمان وحدت

کمونستی

# اطلاعیه

## پیرامون جنبه دموکراتیک ملی

همواره معتقد بوده‌ام، و این اعتقاد را حول اساسی ایدئولوژیک مابوده است که تمییزات تحت شرایط دموکراسی است که در کوفانی انسان میسر است. این اعتقاد در جنبش سوسیالیستی سرورن نوردهم وحشی در میان طلبه‌داران سرورن سیمین جان مسلم ویدیهی بود که محدود بودن آن در جوامع سرمایه‌داری سزگترین حربه را بدست سوسیالیست‌ها برای غیرانسانی خواندن روابط سرمایه‌داری می‌داد. سوسیالیست‌ها نتوانستند که دموکراسی بورژوازی تا کافی است، باقی است، با کارانه است و غیره، و برسان می‌دادند که بورژوازی منحرد آنکه با این بنده بود که همین میزان دموکراسی هم محل کارش است در میان برداشتن آن لحظه‌ای در یک نمیکنند. تاریخ، بوی هر آری بورژوازی سه دیکناتوری عرب، آن را نشان داده است. و در این مورد تردیدی نیست سوسیالیست‌ها با انکت کداردن روی این حد است. بورژوازی، سرورن باقی، و یکا میل موارس دموکراسی تا یکدیگر کرده اند. و حق خود را سوسال دمکرات می‌دهند. احزاب احیل طبعه کارکرمانی که محتوای این تعریف سخ سدهم تحت این نام فعالیت میکردند. اما این اصل بیادین نیز مانند بسیاری دیگر از اصول اساسی موردنجا و بعدی بوروکرات‌ها و قدرمندی ترار گرفت که ما بل بودند با ما، دموکراسی قدرت خود را جوادای کنند. دیکناتوری سرورن را که مفهومی عمیق و تاریخی دارد و بمعنای اعمال دیکناتوری طبقاتی در وجود آوردن و گسترش مساوات تولیدی سوسیالیستی است در یک روندمج مسدل تروریزی، مسدل سه زورگونی، اسیداداری، نفی موازیس دموکراسی و سلب حقوق و آزادی‌های دموکراسی شده است و ما با این امر مخصوص در جوامعی با فرهنگ عقب افتاده فئودالی و نظام آساشی چنان آمیزی

"طبیعی" و "درست" جلوه داده شده که کز افد نیست اگر بیگوشم ننیدن و خواستیدن سزهاشی در توجیه آن سیزارکننده است. هنکا میکه در رورورونن تحت عنوان سزهاشی که با دکا رکنگره ششم کمیسیونر اس (کنکره‌ای که توجیه کر عهده بود "سوسیالیسم" و فاسم بهره) مسئله آزادیهای دموکراسی از بنن مجموعیه حقوق دموکراسی احلاس میسود چا که کوئی آزادی از حمله حقوق نیست. و این سز "جان جامیا فتد که عده کنتری بدون دکرام و اردکنندگان آن در ایران- حرب بوده- آنرا مانند یک حقیقت احرا کشف شده غیره میکنند، سرورن توجیه اساسی و سارجدی کمیونیسها به تا کید و تکیه بر رعایت موازین دموکراسی یک صدخندان میسود. کمیونیسها میتوانند و باید معلمین و میلغین دموکراسی باشند اما سزهاشی که به آزادی از احزاب "بزرگ بزرگ" سرورن آ ماده سنت استنداد در جوامعی مانند ما، وضع را چنان کسوده است که با سز ضرورت دموکراسی سخن گفت! در اصولی بودن آن، اساسی بودن غیر قابل صرف نظر کردن آن بحث کرد و بیه عده‌ای مدعی "کمیونیت" فهماند که هر کس که سر رعایت موازین دموکراسی اصراورزید "لیبرال" نیست! و اگر این لیبرالیسم است مادر ادامه سنت باید کداران سوسیالیسم علمی مفتخر خواهیم بود که "لیبرال" باشیم ولی سرورین نیاسیم. با سدید، واکسر نمی‌بینم سروریم و با دیکریم که سب کمیونستی چه بوده است و اکنون ما چه میکنیم. ما با این اعتقاد، همواره بخشی از فعالیت خود را موجه مبارزه بر ماثل دموکراسی کرده‌ام. اما این اعتقاد را سرورن داشتیم و داریم که سب مبارزه دموکراسی یک زمانی مساوات بطور اصولی تعقیب نمود که در همسنگی کامل با مبارزات طبقاتی و یزه‌اند و سب. این کلام اینست که این مبارزات باید

در راستای منافع طبقاتی رحمکنان جهت داده شود و اگر جز این باشد در زمان "دموکراسی لیبرالی" و "دموکراسی انطلاقی" مخدوش میسود. در چنین حالتی دموکراسی از مفهوم طبقاتی خود خالی شده و صرفاً "بصورت شکل بی محتوا در می‌آید و می‌داند که شکل بی محتوا وجود ندارد و لاجرم محتوای واقعی آن سبب اشکال محتوای فرهنگی ملط در جامعه سوسی محتوای بورژوازی میشود. دموکراسی با در جوامع سرمایه‌داری، چیزی جز دموکراسی بورژوازی نیست. دموکراسی همواره جهت دارد. با پرولتری و انقلابی است و با بورژوازی محافظه کارانه. پس اگر در این رابطه یک اصل ضرورت مبارزه برای دموکراسی است، اصل دیگر جهت دار بودن دموکراسی در راستای منافع زحمکنان است. این دو بهم وابسته و قابل تفکیک نیستند. این اصل تر حمان این حقیقت است که مبارزه برای برانداختن حاکمیت سرمایه و محو استعمار رویه‌گری، از مبارزه برای حقوق و آزادی‌های دموکراتیک جدا نیست. و این نه تنها در رابطه با مبارزه علیه سرمایه‌داری جهانی- امیر- سالیسم - نیز مطرح میباشد. ما سرخلاف آن کسانی که بطور مکانیکی مبارزه ضد امپریالیسم را از مبارزه دموکراتیک جدا کرده، بگرا "عمده" دانسه و یکی را "فرعی" تصور میکنند، و در نتیجه در عمل مبارزاتی حاضرند زیر علم غیر دموکراتیک، ترین و احصا رطلسترین گرایشات سبند برتند، اعتقاد داریم که با نگاه داخلی امپریالیسم فقط "سوزوالیبرالیها" نبوده بلکه انجا میمون تر اگر چه ظاهری متفاوت با دسته‌ای اول داشته و بجای کلاه، عمده سر دارند، بهمان خوبی در جهت حفظ منافع و سلطه امپریالیسم کوس می‌کنند. از همین رو جدا کردن مصنوعی این دو جناح از یکدیگر

سیاسی ایرانی و با حسن بددیگری - را انحرافی بررک میدانیم. بر مبنای این اعتقادات بود که در ماههای پس از انقلاب که رژیم حاکم دستهای خود را بیسر و دسترس بر کلوی نوراددموکراسی می سرزدگوسن روزانوار در مبارزه برای حفظ آزادیها کد در حرمان انقلاب توسط مردم بدست آمده بود، را واجب میسرمدیم تا آنجا که علمی بدن چنگ و دندان نهدندکننده فاسیم را بمیرله اصلاح ضرورت ایجاد و تقویت یک جنبه صفا سستی سرمدیم. ما مدتها قبل از نورس فاسیمی ۲۸ مرداد ۵۸، با تحلیل اربانل همتیب خاکمده محمل موازیس فاسیمی و سا اعتقاد مسلم باس امر که کتب با بروی فاسیم با انداره ریادی و استکی سه مزان مبارزه، علیه آن دارد، و استکه فاسیم یک بنده آسمانی با حبار اربیس مندر با ریح سست که و فنی خود می نماید با دار حلو آن فرار کرد، ضرورت انقلاب و همکاری با نیروهای دموکرات و حزب را با آ و رسیدیم و در عین حال اظهار داشتیم که حسن انضامی فقط در حد یک جنبه صده فاسیمی و نه جنبه رسالت دار میبواند منظر نماید. ما اس مسئله را بنیلا "در دفترها بیاید کرد" مفضلا "سرخ کرده در رها بی نوریک شماره ۲ فروردین ۵۸ اسر بوضوح داده بودیم.

با س دید بود که ما ایجاد جنبه دموکراسیک ملی ایران را که انضامی اربسروهای دموکرات و حزب بودا صری سست و ضروری برای مبارزات احتماعی اربسانی کرده و خود بیرو کوس کردیم با همکاری با اس جنبه - نه ماهه یک جنبه صدها سست - بحی اربار با خود را در دفاع ارحقوق و آزادیهای دموکراسیک اربسرو ای جنبه احام دهم. ما اس مسئله را بوضوح و بطور کینی در آغاز همکاری خود با جنبه مطرح کردیم و بد خود را ارب جنبه صدها سست با س دانسیم.

در اینجا لازم می بینیم برای روس بدن تفکیک جنبه رسالت دار و جنبه صدها سست، حواسندان را به سوسه هاتی که اناره با راجع دهیم. محملا "مذکر میسوم که در جنبه رسالت دار، با رمانهای مسئله جنبه محسورند که از خط مسیمی اسرازیک جنبه - اسرازیک، با آنجا که یک جنبه میبواند اسرازیک باشد -

سعت کنند بر این جنبه ها شری منصورا "عده دار رهبری مبارزات "خلق" در امر انقلاب هستند. اما برای ما که "خلق" را بوده ای بی شکل نمیدانیم و همواره ابل سیکل صفا سست برولیا را و هر موی برولیا را در آراس بر و حهای طالب انقلاب را ضروری میساریم (و سا - بر این معتقدیم که مفهوم جنبه و رسالت آن هر کربا بدیدن حدی است که برولیا را سه می مورد نظر با آحاد انقلاب بنیبت رویکردانی اربمی خود، کردن نهد) سیکل و با شرکت در جنبه رسالت دار را در جوامع سرما به داری با سا " غلط اربانی کرده و آنرا در سیرین حالت مربوط به جوامع ما غلط بر ما به داری میدا - نیم. این امرالیده به معا بر همکاریها نیرو های احتماعی جولیک بر نامه منحدر اربمد است و به بالذبح معا بر همکاری جولیا به های کوبا دمدت، مسئله اساسی بحث در ضرورت همکاری - که اربمی همواره مطلوبست - نیست بلکه در نحوه همکاری و اصولی بودن است، در منحرف شدن اربمی انضامی با طراس و با بهر بی کوسم رنوه دا دیده نیرو های است که با در حرکت در اسای انقلاب نیستند، هکامیکه به جنبه دموکراسیک ملی پیوسیم اعتقاد داریم که با دید کوسند نا هما بکوبه که در خارج از جنبه سب کوسند ام در درون آن نیز همکاری اصولی میان نیروهای جب بو خود آند و کوسس بود که می جنبه هر چه بیشتر در جهت نیروی اربیک با سب دموکراسیک جب حرکت کند. ما واقف بودیم که کرابنه های مختلف درون جنبه همگی چنین نظری با رندولی در عین حال اعتقاد داریم که برای متحقق شدن چنین بر نامه ای با کوسن و مبارزه کرد و بصور سمود که مبارزه کرده میبوان صرفا "طالب هزمونی جب بود. هزمونی را بکسی تعارف نمیکند، هر موی اصولی در مسیر مبارزه و با اخادسیا سب درست بدست ما آند و ما حاضر به جب سب مبارزه ای بودیم.

در اس مسیره و اضع متعددی فرار داشتیم که میبایست رفع میب. یکی از اس مشکلات وجود همجوار با رمانها و اسراد در کار در رهبری جنبه بود. ما بلحاظ تجربه در از مدت خود، سالها قبل در همان دفتر " حدیاید کرد" توضیح داده بودیم که اشکالات اساسی چنین شکل نسکیانی نیست

و حرمان آن منافعیم. این امر با موجب ما بیپوله کردن افراد توسط سازمانها مسود، و با رعکس اگر نمایندگی سه بر مبنای تعداد اعضاء مسئله جنبه، بلکه بر حسب سابق و روابط باشد (که در جنبه دموکراسیک ملی چنین بود) عملا موجب میسود که یک فرد مسفر با ندره یک سازمان سیاسی حق رای داشته باشد، لذا در مصمم کنیهای مهم چند فرد میبوانند با چند سازمان مقابل کنند. بدلیل و قوف با س ارادات بود که ما از همان بدو همکاری، مسئله ضرورت محسور کردن و یا غالب بودن ترکیب رهبری جنبه از سازمانها (در مقابل افراد) را مطرح کردیم و در اس رمنه کوس با ر نمودیم و با لایح با ما و مبنای سبر ما جدیم، مسئله مهم دیگر، ضرورت وجود سب در عی عمومی در چنین جنبه هائی بود. در ابیدای کار سطر مرسد که رمنده ای برای ایس نفا هم در حسی وجود داشته با س دو سازمان، مختلف سیاسی با سخص اس امر، اگر نه مستقیما لا فل عر مسقیم، سه بسرد کا ر جنبه دموکراسیک کمک بر نامه اکر و وجود چنین اشکالاتی بود حا معه، و با لایح چنین جب است اسطر همکاری و هماهنگی سجا با بدیاند. ما سفا سه اما چنین جب ایران بقدری در ورطه سکناریم، و نیز بی توجهی به ضرورت مبارزه دموکراسیک، فرورفته است که چنین اسطاری محقق بند. در ایجبا دو عامل نقش مهم داشت. از میان سازمانهای جب، سکناریم سازمانها چرکیهای عدائی خلق و کار سکنی هائی که در کار جنبه دموکراسیک کرد (و ما نمونه ها از انرا در گذشته ذکر کرده ایم) تریسار سونی داشته پرده برداری اخیر اربیدای سازمان که متخر به دهان از انجا عیون صد دموکرات سده است از نظر شوریک نیز مواضع آنها را بوضوح داد و بنا بر ایس مسئله را صرفا "با بدیانی اربکناریم سمر بدی که نفس عده انحراف بیستی را نیز با بدی سنجیم داد. عامل مهم دیگر سبنا در سب خود جنبه دموکراسیک بود که بدیبال جلب نظر سازمان مجاهدین، بدلائل بیستی و نیز محاسنه های خصوصی با سازمانهای جب که از نظر مجاهدین "با خوشایند" بودند اما در زید و بدین طریق

هم از حمایت این سازمانها و هم از حمایت چریکها (بدلانیل درآمده - روم ، بندودر آحرکار سرباداس بحق خود را از سازمان مجاهدین گرفت . جبهه دموکراتیک خود در ازوای حویسن سهم بود و طبیعی است که جنبش سارمائی بجز " محبت" شخصی رهبری مجاهدین ، سودی در مبارزه سیاسی نخواهد بود .

در این مقاله مجال بحث در باره اشتباهات اساسی جبهه نیست . معاصر مواردی این نکات را نشانکافته ایم و نظرات خود را که مخالف مسی جبهه بوده است بیان کرده ایم . در اینجا صرفاً " اشاره میکنیم که دو مصمم نادرست ، در عمل بسیار ضربه زنده شد . مصمم نادرست اول در لنگو راهیبائی جبهه دموکراتیک پس از بوش فاشیستی ۲۸ مرداد بود که اعراف سازمان چریکهای فدائی خلق (نهادیده موضع گرفتن علیه آن) مورافتا دو جبهه دمومو - کراسیک از یک فرصت مناسب برای بسیج نیروهای دموکرات و سوت حفاظت خود محروم ماند . مصمم نادرست دوم که صرفاً یک اشتباه سیاسی نبود بلکه پایه عمیقی در بینش مصمم کیریدگان داشت در حمایت بلا شرط از کاندیدان توری مسعود رجوی و برنامها و در انتخاب ریاست جمهوری بود . این مصمم بحث نوهائی صورت گرفت که امروزه وقایع حلیی تابع کننده سر را آنچه ما در همان زمان بیان داشته بودیم ، محدود بودن آنها را بیان داد . این اشتباهات ، مماثلی حرتی نبودند . یک جبهه اشتلاقی میتواند تا یک اشتباه بزرگ ضربه غیر قابل حیرائی بخورد زند . جبهه دموکراتیک ، پس از یک اشتباه کرد .

اما اینها همه با عامل دیگری بنسبید میدند که برای ما غیر قابل حمل بود ، و آن عبارت از این بود که جبهه دموکراتیک محدودیت نفس خویش را تشخیص نمیداد و حداقل میبوانیم بگوئیم بسیاری از افراد تصورائی از جبهه داشتند که آرا را یک جبهه ضد فاشیست ، این معارض بین واقعیت و تصور ذهنی از واقعیت ، منبواند بسیار ضربه زنده باشد . تصور سبکسراز واقعیت میتواند موجب اشتباهات مدهاشی شود که با واقعیت نمیخواند . موجب بروز سواناسی تو که ضربه زنده به اعتبار است . و موجب بروز نوعی سواناسی

بر آورده نداشتی نیست و برابر این خود موجب ظهور مسائل جدید شود . هنگامیکه معاصر از یک جبهه ضد فاشیست تصور کنند در رهبری یک جبهه صدامیربالیست ، یک جبهه خلق ، یک جبهه رسالت دار هستند و یک لحظه هم فا در به درک تعارض و اشعیت موجود و نمناهای ذهن خود نباشند ، لاجرم به حرکات سیاسی نامناسب و نامناسبی متوسل خواهند شد که همین حداقل موجود را نیز در معرض خطر فرامیدهد . واقعیت بدینندی آرزوی پرواز نمیکنند بلکه ایمن برنده است که نا آگاه به محدودیت امکان - نات خود به زمین خاکی واقعات سقوط میکند . سقوط چیزی سواي فرود آمدن است . این تصورات دور و دراز همراه با وجود عناصر و آحاد تفکر غیر دموکراتیک حتی در ذهن پاره ای از افراد کادر رهبری جبهه موجب بروز روابطی در درون جبهه دموکراتیک شده بود که حداقل میبوان گفت در بسیاری موارد شدت غیر دمومو - کرانیک بود ، و طبیعی است که اگر چنین روابطی غلبه کند - که در بسیاری موارد میگرد - جبهه دموکراتیک قادر به ارائه نمونه خوبی در امر سازات دموکراتیک نمیتواند باشد . و این تیر خود نناقضی است بین هدف مورد ادعا و راه مورد نظر . ما میدانیم که در قیاس با بخش اعظم نیروهای جب ، نیروهای درون جبهه و نیز روابط موجود را میتوان از جنبه دموکراتیک ، معقول ارزیابی کرد ولی اولاً این حکم را در مورد همه مستوا ن تعمیم داد ، و بیژ همیشه نمیتوان صادق داشت ، و از آن مهمتر مطلقاً کافیی نمیتوان نمود . روابط درونی یک سازمان دموکراتیک باید نمونه ای از دموکراسی باشد و جبهه چنین نبود و جمع بندی ما نیز چنین بود که جنبش روابطی حتی به درجه حداقل قابل قبول - در شرایط فعلی در آن بوجود نخواهد آمد . ما در گذشته ساس مسئله اناراسی کرده بودیم . مورد کاندیدان توری مسعود رجوی در انتخابات جمهوری و نحوه رای و مصمم گیری در مورد آن ، نه مهمتر سس ولی بارزترین نمونه مخدوش بودن سیستم دموکراتیک اتخاذ مصمم بود . در زمانی که رای گیری انجام شد و سازمان از چهار سازمان حرکت کننده در جبهه مخالف آن بود و ولی معاهدایست

اکثریت داشتن اعضا منفرد در کساد رهبری ، وسواسهای موجود ، و اشتباهات روشهای غیر دموکراتیک همراه با ماسیولاسون ، نتجه رای چیزی در آمد که شرح را در گذشته داده ایم . و بدینراز این ، نرسه جبهه بدون کوچکترین اشاره به وجود مخالفتهای وسیع دروسی مطالب را چنان منعکس کرد که کوئی مخالفتی با آن در درون جبهه وجود ندارد . چنان ادعا شد که جبهه دموکراتیک با این تصمیم رسیده است و به فی المثل اکثریت آن (" اکثریت " با تفصیلی که ذکر شد) حالب و آموزنده بود که درست همزمان با این تصمیم گیری ، " جامعه مدرسین قم" بدلیل عدم اتفاق آرا اظهار داشتند که با اکثریت آراء از حسن حسسی حمایت میکنند . مدرسین قم لاقلاً در این مورد خاص دموکراتیک نرمنا ر کرده بودند .

جنبش روابطی ، نه تنها از این نظر که تحمل مناسبات غیر دموکراتیک را غیر اصولی میدانیم ، بلکه از این نظر نیز که پذیرفتن مسئولیت سیاسی تصمیماتی که بدینگونه اتخاذ میسود را مطلقاً " غیر ممکن" می شماریم . برای ما قابل قبول نبود هنگامیکه در چند مورد سیاسی مهم بطور متوالی نظریاتمان ما با نظرات ارائه شده از طرف جبهه معا بریابند . با این تصمیمات که از نظر سیاسی موجه مان نیز خواهد شد غیر قابل حمل خواهد بود . این درست است که ما در موارد اختلاف مهم ، نظر خود را در سربه خود در چ کرده ایم ولی این نیز درست است که هنگامیکه متوالیا " نظریاتمان ما با نظر جبهه ای که سازمان مادر است متفوت و مخالف باشد . این وضع قابل ارامه خواهد بود . تکرار از دنیا دعس بقا و نهائی نشان میداد که نظر دموکراتیک ما با نظر دموکراتیک اکثریت سورا ی جبهه دموکراتیک متفاوتی اساسی دارد و بجای سردیکتر شدن ، از هم دور سرتنود . ما طالب کرابش مواضع دموکراتیک به جب بودیم و اکثریت چنین سمخواست . در چنین شرایطی با در نظر گرفتن تضادهای محلی که در کار جبهه دموکراتیک بطور علی الاصول میدیدیم و در صفحات پیش به آنها اشاره کردیم ، و با در نظر گرفتن این امر که ادا مه کار در جبهه و منصح مواضع



## محمد منتظری کاندیدای "نظم و قانون"

یکی از چهره‌های سپه‌دوران بعد از انقلاب سید محمد منتظری است. وی اطلاع‌رسانی افراد میداننده برای او هیچ مایه و فاسوی مطرح نیست. او هر وقت بخواهد با دوست سید نصر مسلح به فرودگاه حمله کرده بخارجرواز میکند. و هنگام بازگشت سر به نفس طریق وارد ایران می‌شود. با آخری که او را خارج باز می‌کشد باران مسلح او افراد کمبینه مرکزی را که با اصطلاح برای دستگیری وی به فرودگاه رفته بودند، حلق مسلح کردند!

یکی دیگر از چهره‌های بسیار مشهور دوران بعد از انقلاب آقای بنی صدر است. همه میدانند که ایشان بخصوص در اسن او احره را که سحرانی کرده است اطاعت از تانک کارما به اصلی سحرانی اس را سکل داده است. اسان به کرات شهید کرده اند که سلیم رور می‌شوند و بی‌روزه‌ها آخر هم که مریدم اخلع سلاح گروههای مسلح رده اند.

لاند می‌رسد اس دو موضوع حقه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ ولی اکثر لیس کاندیداهای دسرهما هکی همکار بهای مردم نارئیس جمهور، که دسر بیست مرکب از رفقای بی صدر، را حواسده بودید این سئوال را می‌کردید. جب الاسلام سید محمد منتظری کاندیدای این لیسار نجف آباد است و بیانه دهنر هما هکی ..... مذکر می‌شود که:

"نگه‌ای که در آنها (کاندیداهای) مسرک است عدم صدیت با بی‌صدر اس (با مداد) اسفند".

سکازدیکر بوضوح روشن مینود که وقت بی دسرهای حاکم و ارحله آقای بی صدر صحت اربنم و فاسون می‌کند چه منظوری ارا ندارند. برای آنها اجرای نظم و فاسون حوست ولی فقط در مورد مردمی که حاصره حمل رور طبفاسی ایسان نیستند. برعم ایسان گروههای مسلح باید حلق سلاح شوند ولی فقط آنها تیکه با بی صدر همراهی نمی‌کنند، والا اگر کسی با بی‌صدر "صدیت" نداشته باشد اسکالی ندارم می‌تواند مسلح باشد و قانون شکمی هم بکند، حتی جابزه هم می‌کند...

و کاندیدای می‌کنند.

ماه آقای بنی صدر سیدهاد می‌کنیم به مصداق "حراغی که به حایه رواست بر مسد حرامست"، ایندا کاندیداهای خودتان را حلق سلاح کنید، البته سرتیکه با بی‌سرب زحماتی که برای بدست آوردن دل "فضیه عالیقدر" آبا الله سبطری کشیده اند! (جمعه کاندید کردن بسران) به دسر...

### زیمباووه...

با زنگت روابط سمکراهی سیاسی گذشته با نجامد.

از جانب دیگر اقتصاد اس کشور در سالهای اخیر آنچنان ضعف شده که قادر نیست در فرصت زمان کوتاهی تمام آنچه را که برای بنای اقتصاد مستقل لازم است، فراهم نماید.

از جانب دیگر در همسایه جنوبی اس کشور، آفریقای جنوبی، رژیم نرادرسب نوا که هنوز در راس حکومت است، اعلام کرده که در صورت مداخله زیمباووه در امور داخلی آفریقای جنوبی (مبظورحما) بزیمباووه از مبارز اس آرادای خواه در آفریقای جنوبی است) دست به اقدامات انتقام جویانه خواهد زد. تمام این مشکلات، مویگه را وادار کرده که با اتخاذ سیاست کج دار و مریز در مقابل سرمایه داران و آفریقای جنوبی و همچنین کشورهای امیرالبتی اروپائی، نا محکمر سدن با بهای دولسن اوضاع سیاسی را آرام نگهدارد. از همین رو او بلافاصله بعد از اعلام پیروزی در انتخابات اعلام نمود که:

"ما نه می‌خواهیم سرمایه‌های خصوصی را ملی کنیم و نه دسبه اقدامات انتقام جویانه خواهیم زد. شمرها را به خیتن گاو آهن تبدیل خواهیم کرد."

بعلاوه او به نرد سومز فرماندار انگلیسی زیمباووه پیشنهاد کرد، که مدت ما موریتش را تمدید کرده و اعلام

کرده که بعنوان چهل و دومین کشور به کشورهای مسرک المانع انکلسه (کامولت) خواهد نوسب.

موکابه سعی کرده با این وعده‌ها و با شرکت دو تن از سفید پوستان در کابینه موفتا از شدت تحریکات و اقدامات نلافی جوانه‌های سرمایه داران و مجدس امیرالبت آن کاسه و زمینه را برای شبیت دولت خود آماده سازد. اما لازم به توضیح است که این اقدامات در صورت عدم بی‌گیری اقدامات انفلاسی بی‌حدهی معکوس داسه و به ضعف دولت وی و فرصدادن به ارجاع بی‌س خواهد انحامد.

با بیروزی انتخابات، سروهای انفلاسی زیمباووه اولین مرحله برای ادامه انفلاب در زیمباووه را بیست سر کداشته اند. بیس شرطهای رسیدن به هدف آماده است. صداسن انفلاسی نوده‌ها، بیرورداری اربنسک نوده‌ای و...

آخه از اسن بیس بعین کشنده خواهد بود، هوساری آنها، بی کبسی در انجام حواسه‌های اکثریت نوده‌های رحمتکنن و نسخر مراکر فدراسمادی اس. بحره زیمباووه، دراس مورد بسیار آموریده خواهد بود.

### مناظره تلویزیونی...

فاسسی. اما چه کسی هی بهانه برای رسداسها فراهم مآورد؟ ما کی با بحال از اول انفلاب با امروز یک دفعه بر صد آنها بهانه درس کردند، نه کمک حناچه‌هایی که بقول سما آخور نیستند (و علی‌الحصص شخص جناب رئیس جمهور) آمدند، از راه بهانه براسدن برای آنها؟ بیاس روسهای سما ما درس نوده.

فکر می‌کنیم نزاری به تفسیربدا سذ باشد. رئیس جمهور دست خود را برای همکاری درار کرد. اما آیا فدایبان حاصرد سادس درجه سقوط کنند؟

ما در شماره‌های آینده نظریات فدایبان را در طی یکسال گذشته مورد بررسی مسروح فرار خواهیم داد.

## دفاع از خیانت در پوشش دفاع از کاشانی

توده‌هایی که زمانی بخوردشان داده میشد که گویا "اعلیحضرت" رهبری ملی‌شدن صنعت نفت را بدست داشته‌اند، اکنون با دهانی بارشاهد اعداهاهایی همان سبک در مورد "روحانیت مبارز" هستند. روزی‌تاریخ گفته میشود که شیخ فضل‌الله نوری از رهبران جنبش "مشروعیت" بوده است و مخالفینش یعنی مشروطه‌طلبان مشتکی "بهائی" و "کمونیست‌الامل" بوده‌اند که پنهانی با سفارت فحیمه "انگلیس" در تماس بوده‌اند. چندی بعد ویناز در ادامه این منطق می‌نویسند که روحانی عالیقدری چون آیت‌الله کاشانی در رهبری جنبش ضد امپریالیستی سالهای ۲۹ - ۳۲ قرار داشته‌و اگر بخاطر اشتباهات دکتر مصدق در مورد "اسلامی" نکردن جنبش نبود، ما امروزه در اواخر دهه سوم و اوائل دهه چهارم جمهوری اسلامی میبودیم. آقایان از این نیز فراتر میروند و تاریخ مبارزه را در تاریخ اسلام میبینند و نه تنها خائنینی چون کاشانی - این همزه بغاوتی و مکی‌و حائری - و این دوست دربار را انقلابی جا میزنند بلکه عندالزوم به تحریف واقعیتی که هنوز در اذهان بسیاری از جوانان این مرز و بوم زنده است میپردازند، همین جندی پیش بود که آقای صادق خلخالی ادعا کرد که مسعود و مجید احمدزاده نیز مسلمان بوده‌اند و تا دم‌شهادت نماز و عبادت را فراموش نکرده‌اند. آقای خلخالی حتی مدعی شد که حماسه‌سایا هکل نیز بدست مسلمین انجام گرفته است.

حتی بعید نیست که در آینده‌ای نه چندان دور همین آقایان بصراحت اعلام نمایند که در روزهای قیام این کمونیست‌ها بوده‌اند که با بختیار و هو یزرمذا کمره ولست شورای سلطنت تنظیم میکردند و روحانیون غیور سنگر به سنگر مشغول فتح پادگانها و از زمین بردن ارتش آریامهری بودند...

اما تحریف آقایان اگر در بسیاری از موارد برای کتمان نمودن حقایق است که امروز بضرشان است، در مورد کاشانی علاوه بر آن قصد و نیت خاصی دنبال میشود. در پشت دفاع از کاشانی نه صرفاً

## گزارشی از فعالیت‌های آیت‌الله خسروشاهی!

بعد از قیام ۲۲ بهمن که بهمت زحمتگشان به پیروزی رسید، خواست مسکن که یکی از خواستهای رفاه‌ساز شده‌های مردم بود و ریشه عمیقی در مبارزات دامنه دار خارج از محدوده در زمان طاغوت داشت، بهمنوان یکی از خواستهای اساسی مردم مطرح شد. رژیم جمهوری اسلامی که علاقه خاصی به ایجاد بنیادهای مختلف دارد، در اثر فشار توده‌ها ناچار به ایجاد بنیاد مسکن نیز گردید و آیت‌الله خسروشاهی را به ریاست آن منصوب کرد. این بنیاد در یکسال اخیر فعالتهای مختلفی از قبیل معادله خانه‌های طاغوتیان و دادن آنها به مستضعفین انجام داده است، منتهی چون در این اواخر سر و صدای زیادی در این رابطه و اختلاس در حساب ۱۰۰ و غیره شده است. مادر زیر بخشی از فعالیت‌های آیت‌الله خسروشاهی را در یکسال گذشته ذکر میکنیم تا بد خواهان رسوا شوند.

آیت‌الله خسروشاهی در گذشته نه چندان دوری - قبل از تصدی شغل ریاست بنیاد مسکن - مالک خانه‌ای

یک تحریف کوچک بلکه دفاع از یک ایدئولوژی دفاع از یک مثنی و یک بینش نهفته است. از کاشانی دفاع نمیشود چون یک روحانی است - بر جردی نیز روحانی و مرجع تقلید بود - از او دفاع میشود چون او در ادامه مثنی شیخ فضل‌الله نوری حرکت میکرد. او در گذشته بدیلی در مقابل قدرتهای آن زمان - حزب توده و مصدق - بود و امروز بمانند این بدیل از وی دفاع میشود.



بهررو مصلحت آقایان و منافع ایشان حکم مینماید که از بار غارت آقای "مفید" و واسطه ایشان در کمرک، از دوست دولت فحیمه انگلستان و از مدافعین قوام السلطنه، از همزه بقاشی و مکی، و پناه دهنده سر لشکر زاهدی دفاع نمایند.

آری سر نوشت مصدق را دیدیم و سر نوشت آقای کاشانی را هنگامیکه "شاهنشاه" برای استمالت و عبادت خدمت ایشان رسیدند را نیز دیده‌ایم. در آینده نیز بی شک شاهد وقایع بسیاری از این دست خواهیم بود

بمساحت ۴۰۰ متر در بل امیر بهادر در امیریه بود، منهی بعلت اینکه کوچه منزل ایشان ماشین رو نبود و پاسدار - های محافظ نمیتوانستند با ماشین به داخل کوچه بروند، ایشان خانه را به مبلغ ۳۷۰ هزار تومان فروخته و منزل جدیدی واقع در خیابان ابو سعید بمبلغ یک میلیون و نهمد هزار تومان خریداری کردند که البته در سند مالکیت گویا عدد ۱ سهوا جا افتاده است!!

و شاید برای اینکه فروشنده خانه رسماً سود زیادی نبرد چون بهرحال سود زیاد در اسلام حرام است!! و شاید هم زیانمان لال .....

علاوه بر این آیشان برای مستضعفین دیگری نیز خانه‌هایی بسیار ارزان و با شرایطی بسیار سهل تهیه کرده‌اند. بعنوان مثال ایشان برای یکی از پسر - هایشان خانه‌ای در خیابان جردن بمبلغ ناچیز یک میلیون و هفتصد هزار تومان خریده‌اند که باز عدد ۱ بدیلی!!! در سند جا افتاده است. البته ایشان رعایت عدالت اسلامی را فرموده‌اند و برای اینکه به مستضعف دیگری یعنی فرزند دیگرشان ظلم نشود، خانه‌ای نیز برای او بمبلغ بسیار ناچیز یک میلیون و صد هزار تومان در خیابان هما مستعاز بلوار کشاورز خریده‌اند. اما گذشته از موارد فوق تنها آنجا که ما مطلع هستیم، به ۴ مستضعف دیگر که از دست‌فزا از نوادگان این حضرت میباشند و فعلاً در خارج از کشور سر میبرند نیز یک دستگاه آپارتمان ۴ طبقه در خیابان جردن اختصاص داده شده است. این خانه نیز بسیار ارزان قیمت بوده است و دارای اسباب و وسائل کافی میباشد. پدر بزرگ صرفاً مبلغی ناچیز یعنی: ۳۷/۰۰۰/۰۰۰ تومان بابت این بیت پرداخته است.

بهرحال از آنجائیکه بیلان کلی فعالیت‌های بنیاد مسکن قرار است در ۱۵ روز آینده ارائه شود (بامداد ۱۰ فروردین)، ما بهمن مختصر کفایت می‌کنیم و بهمه ضد انقلابیون هشدار میدیم که بیهوده اینقدر دم از کارگر و زحمتکش نزنند، و چشم‌های خود را باز کرده و ببینند که جمهوری اسلامی چگونه منافع زحمتگشان را تا مین میکند

# دادستانی انقلاب، سکوی پرش برای سرمایه‌دار شدن

## انتشارات سازمان وحدت کمونیستی

- ۱ - پیرامون تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران .
- ۲ - نکاتی درباره پروسه تجانس .
- ۳ - پروسه تجانس ، تبادل نظر بین سازمان چریک‌های فدائی خلق و گروه اتحاد کمونیستی (دفتر اول) .
- ۴ - انتقالینیم ، تبادل نظر (دفتر دوم) .
- ۵ - اندیشه مائوتسه‌دون و سیاست خارجی چین ( دفتر دوم ) .
- ۶ - مرحله تدارک انقلابی .
- ۷ - مدخلی بر اقتصاد سیاسی (والیه - سالما) .
- ۸ - مشکلات و مسائل حبش .
- ۹ - بحران جدید سیاسی و اقتصادی رژیم و نقش نیروهای جب .
- ۱۰ - چه نباید کرد؟ نقدی بر گذشته و رهنمودی برای آینده .
- ۱۱ - جنگ لبنان ( از انتشارات مشترک سازمان وحدت کمونیستی و جبهه آزادیبخش فلسطین ) .
- ۱۲ - مدخلی بر زندگی و آثار کارل مارکس و فردریش انگلس .
- ۱۳ - نشریه رهائی ( تئوریک ) شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ .
- ۱۴ - آنتی دورینگ (دفتر اول) .
- ۱۵ - در تدارک انقلاب سوسیالیستی .
- ۱۶ - انقلاب دمکراتیک یا سوسیالیستی .
- ۱۷ - مکانیات مارکس و انگلس درباره ماتریالیسم تاریخی .
- ۱۸ - مارکسیسم و حزب .
- ۱۹ - نروتسکیسم سقط دیالکتیک لنینی .

★ ★ ★

همچنین جزوات زیر نیز توسط هواداران سازمان منتشر شده است .

- ۱ - نقدی بر: درباره تضاد - اشهر مائوتسه دون .
- ۲ - ترجمه نقدی بر "مبارزه طبقاتی در شوروی اشریتلهايم" از پل سوئیری .
- ۳ - سیاست حزب توده قبل از انقلاب ، بعد از انقلاب .
- ۴ - در باره شوراها ...



ولی علیرغم این مسائل بنیاد مستضعفین وارد ماجرا شد و شرکت را صادره کرد، ولی فقط ۱۳۰ سهم مابقی را و ۷۰ سهم آقای هادوی هنوز بجای خود باقیست .

الته داستان در اینجا بیان نمیرسد . بقرار اطلاع "ماحیان" شرکت ایرتویا ، در حال برنامه ریزی چند جانبه برای پس گرفتن شرکت هستند . ایشان از طرفی با کمپانی مرکزی در ژاپن تماس گرفته و از آنها خواسته‌اند که اتومبیل تویوتا و وسایل یدکی و غیره به ایران بفرستند تا شعبه شرکت در ایران اخباراً تعطیل شود و آقایان بتوانند شرکتی با نام دیگر باز کرده و اتومبیل تویوتا و دیگر کالاهای وارد کنند و از طرف دیگر در حال مذاکره با عناصر صاحب نفوذ در قم (منتظری و مکارم شیرازی) هستند تا در صورت امکان براه حل بالا متوسل شوند و همین شرکت موجود را پس بگیرند .

لازم بتذکر است که چندی پیش عین همین مسائل در مورد شرکت داتسن انجام شد و بنیاد مستضعفین که این شرکت را صادره کرده بود ، بعد از تحویل ندادن وسایل یدکی توسط کمپانی اصلی در ژاپن به شرکت تصرف شده ، مجبور شد دوباره آنرا به " ماحیان " آن بازگرداند <sup>5</sup>

در کشورهای سرمایه‌داری اروپای غربی و امریکائی، بسیاری از سیاستمداران بعد از کناره‌گیری از پستهای دولتی و احزابی با حقوقهای کلان به عنوان مدیر عامل، مدیرکل و غیره در شرکتهای بزرگ مشغول بکار میشوند البته بشرطیکه در دوران حیات سیاسی خود بطرق مختلف از منافع آن شرکت دفاع کرده باشند .

در رژیم شاه ، سیاستمداران درجین فعالیت "سیاسی" در شرکتها و کارخانه‌ها سزای تریک بوده و عضو هیئت مدیره و غیره نیز بودند .

ولی جمهوری اسلامی "نه شرقی، نه غربی" در این زمینه نیز نوآوری کرده و تجربه‌ی جدیدی بدست داده است که سرمایه‌داران غربی باید آنرا بعنوان بکار راه جدید، البته اگر اسلامی بودنش باعث ناراحتی ایشان نشود، بررسی کنند . این راه جدید، شیوه‌ایست که آقای هادوی، دادستان کل انقلاب سابق بکار برده است .

اواخر آبان و حدود اوایل آذر گذشته ، وقتی صحبت از صادره‌ی شرکت "ایرتویا" (در برگیرنده‌ی تویوتا - وارد کننده‌ی اتومبیل ساخته شده - موجبران - دوربین عکاسی و غیره - و ایران ابزار - وارد کننده‌ی ماشین آلات ساخته شده) بمیان آمد ، مدیر عامل شرکت به آقای هادوی مراجعه کرد و بوی پیشنهاد کرد در مقابل دریافت تعدادی از سهام از صادره‌ی قریب الوقوع شرکت توسط بنیاد مستضعفین جلوگیری کند . آقای هادوی نیز ۷۰ سهم از مجموع ۲۰۰ سهم شرکت تویوتا را بدون پرداخت حتی یک ریال تحویل گرفت ، ولی نه بنام خود بلکه بنام بنیاد انقلاب اسلامی که خود بنیانگذار و رئیس هیئت امای آنست و متعاقب این امر در کیهان مقاله‌ای در مخالفت با صادره‌ی ایرتویا و شرکتهای مشابه نوشت و مد البته قسمت عمده را به بحث در مورد تویوتا اختصاص داد .

## توضیح

بعلت اشکالات فنی و مصادف شدن زمان انتشار رهایی شماره ۲۶ با تعطیلات نوروز ، انتشار این شماره در موعد مقرر ممکن نگردید . از همین رو شماره های ۲۶ و ۲۷ رهایی توامان و در تاریخ سه‌شنبه ۱۲ فروردین ماه منتشر شده است .



# کردستان گورستان اشغالگران

سازمان وحدت کمونیستی بمشابه بخشی از جنبش کمونیستی ایران همچنان که در طی جنگهای گذشته هرچند با امکانات محدود خویش فعالانه شرکت داشته است، هم اکنون و از این پس نیز امکانات خویش را در اختیار جنبش مقاومت و همچنین اعتلا آن در کنار دیگر سازمانهای انقلابی قرار خواهد داد.

با اوج گیری و مداوم مبارزات انقلابی در کردستان و نقش اساسی مبارزات حق طلبانه در ارائه شکل های مختلف مبارزاتی و همچنین سایر آن بر حسنهای دیگر خلقهای ایران، ارجاع حاکم در مدد ایجاد نفوذ و دست زدن به سوطنه هایی از نوع آرا مهوری بوده و با کسب دانی ناسداران و ارتش حامی سرمایه داران و دیگر نیروهای فشار و سرکوب با خیال خود سعی در مصلحتی کردن این جنبش حق طلبانه و مترقی دارد. عاملی که اینگونه سوطنه های خلقی کرد با تظاهرات، تحصن و دیگر شکل های مختلف مبارزاتی پیش از پیوستن وحدت صفوف بهم پیوسته خود را نمائندگداسنه و بدینوسله ی فقر و انزجار خود را از اعمال حاکمیت رژیم ارجاعی کنونی ایران ابرار داسنه و صن اعلام مصلحت طلبی، آمادگی خود را جهت ایستادن در مقابل هرگونه دسیسه و مهاجم نیروهای مریخ و سرکوبگر اظهار داسنه است.

خلق کرد نارها و نارها هم سروسبی خود را با مبارزات دیگر خلقهای ایران ابرار داسنه و همسده بی در کمکهای مادی و معنوی خود بد جنبش دیگر خلقهای ایران دست و دارد. سوطنه هایی از قبیل محاصره ی

اقتصادی - نظامی، و همچنین اشغال نظامی شهرها و آواره کردن مردم ساکنی شهرها و روستاها بدیکر نقاط از سلاحهای ریک کرده و ریک ناخسه - اسبکه بی تاثیر بودن خود را در اراده ی آهنی خلق کرد، در طی جنبش چندین ماهه مقاومت کردستان داده است.

آوارگی مردم مبارر کامیاران بسده ننها مردم این مرز و بوم را وادار به عقب سینی و کدش از خواسته ها بحق خود نکرده بلکه با کمک و حماسی که از آنها سده و نیز با شناختی که از ماهیت رژیم حاکم بر ایران دارد هر چه راسختر و بیس از بیس مصمم تر، بر سر خواسته های بحق و مبارزاتی خود ایستاده و ناکسون بسا مبارزات خونین خود نشان داده اند که تا آخرین قطره های خون خود در مقابل حملات سبعانه و دد مشانه ی رژیم صد خلقی حاکم خواهد ایستاد و در این راه همه نوع امکانات خود و دیگر خلقها را بکار خواهد گرفت، تا کردستان را از لوب وجود نیروهای مریخ و سرکوبگر پاک سازد.

یکی نسبکه رژیم جمهوری اسلامی در صدده سهاجمی دوباره به کردستان جهت با مصلح خاموش کردن جنبش مقاومت خلقی کرد میبلسد، مننها مسائلی از جمله بفادهای دروسی هیئت حاکمه، بحران سیاسی - اقتصادی، و همچنین

سوجه عملی این جنبش سوسی ار نظر افکار عمومی و همچنین قبل از همه نکست فاحش ارتش و سیاه پاسداران طی چند ماهه کدسه همگی مانع عداسد که رژیم بنواسد چون کدسنه شرکتازی کرده و به سبک مقاومت خلقی کسرد بیورش برسد.

چه بسا در هفته های اخیر سازمانهای انقلابی با انجام عملیات نظامی موفق خود منت محکمی بر بوزدی این مهاجمین اشغالگر رده اند. و بسا نرسب نشان داده سده است کدسه کردستان را کورسان مرتجعین، اشغالگران و فانیسها خواهد کرد.

سارمان وحدت کمونیستی بمشابه ی بخشی از جنبش کمونیستی ایران هم چنان که در طی جنگهای گذشته هر چند با امکانات محدود خویش فعالانه شرکت داشتند است، هم اکنون و از این پس نیز امکانات خویش را در اختیار جنبش مقاومت و همچنین اعتلا آن در کنار دیگر سازمانهای انقلابی قرار خواهد داد.

- \* سروز باد جنبش مقاومت خلقی کرد
- \* هر چه مسخکمر باد صفوف بهم پیوسته ی خلقها
- \* مرکز بر امپریالیسم و ارجاع داخلی